



نوع شناسی منازعه کوچی - ده نشین در افغانستان

داکتر انتونیو گیسٹوزی
جوزا ۱۳۹۷



مقاله تحقیقی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

نوع شناسی منازعه کوچی - ده نشین در افغانستان

داکتر انتونیو گیسٹوزی

جوزا ۱۳۹۷

وجوه مالی این تحقیق را اتحادیه اروپا
فراهم نموده است.

شماره استاندارد بین المللی (ISBN)

۹۷۸-۹۹۳۶-۶۴۱-۰۵-۱

کد نشریه

۱۸۰۱D

ویراستار

کیلسی جینسن و ماتيو لانگمور

تصویر پشت صفحه

خبر گزارى پژواک

© ۲۰۱۷ واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

این نشریه میتواند فقط برای اهداف غیر تجاری و در صورت یادآوری نویسنده و منبع نقل قول، استناد و یا تکثیر گردد. نظریات ذکر شده در این نشریه مربوط به نویسنده میشود و انعکاس دهنده نظریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان و اتحادیه اروپا نیست. تمام حقوق ناشر محفوظ است. هرگاه این نشریه چاپ مجدد، ذخیره و یا بصورت برقی به دسترس گذاشته میشود، باید خط ارتباطی به سایت اینترنتی AREU (www.areu.org.af) در آن چاپ و یا روی صفحه اینترنتی گذاشته شود. برای هر گونه استفاده که در فوق مشخص نگردیده است، باید اجازه قبلی بصورت تحریری از شرکت ناشر، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان با ارسال ایمیل به areu@areu.org.af یا با تماس گرفتن با ۳۴ ۲۲۱ ۲۰ (۰) ۹۳ + اخذ گردد.

در باره واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان یک نهاد مستقل تحقیقاتی مستقر در کابل می باشد که در سال ۲۰۰۲ با همکاری جامعه بین المللی در افغانستان تاسیس گردید. هدف واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان انجام و عرضه تحقیقات با کیفیت عالی، مبنی بر شواهد، مرتبط با پالیسی و انتشار نتایج حاصله آنها و همچنان ترویج فرهنگ پژوهش و مطالعه می باشد. طبق گزارش دانشگاه پنسیلوانیا، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان منحصیث یک نهاد پژوهشی دارای جایگاه عالی در افغانستان بوده و در بین نهاد های پژوهشی در آسیای میانه در رده پنجم قرار دارد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان با پالیسی سازان، جامعه مدنی، محققان و محصلین به منظور تحقق اهداف خویش ارتباط برقرار می نماید تا استفاده از نشرات مبنی بر شواهد و کتابخانه این واحد ترویج یافته، ظرفیت تحقیقی آنها تقویت شود و فرصت ها برای بازتاب اندیشه ها، مناظره ها و تحلیل ها ایجاد گردد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان توسط هیأت مدیره اداره می شود که متشکل از نمایندگان ادارات تمویل کننده، بعضی سفارتخانه ها، سازمان ملل متحد و دیگر سازمان های چندجانبه، جامعه مدنی و کارشناسان مستقل می باشد.

تمویل کنندگان برنامه ها:

تمویل کنندگان این اداره شامل نهاد انکشافی بین المللی سویدن (SIDA) و نهاد های بین المللی ذیل میباشد:

The European Commission (EC), United States Institute of Peace (USIP), Norwegian Institute of International Affairs (NUPI), Overseas Development Institute (ODI-UK), Promundo (US), Sustainable Development Policy Institute (SDPI), Regional Environmental Centre for Central Asia (CAREC), Institute of Development Studies (IDS) and Swiss Agency for Development and Cooperation (SDC), School of Oriental and African Studies (SOAS), Economic and Social Research Council United Kingdom (ESRC-UK).

همچنان این اداره عضویت شبکه های جهانی ذیل را دارا میباشد:

Resolve Network, Secure Livelihoods Research Consortium (SLRC), Global Challenges research Fund (GCRF), A Conflict Sensitive Unpacking of The EU Comprehensive Approach to Conflict, Crisis Mechanism (EUNPACK), ADB- Asian Think Tanks Network (ATTN) and The Regional Environmental Centre for Central Asia (CAREC).

در مورد نویسنده

داکتر انتونیو گيستوزی تحقیقات گسترده ای را در زمینه های مختلف و خاصاً درباره افغانستان انجام داده است. وی برای واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، تحقیقات ذیل را به رشته تحریر درآورده است.

۱. سی سال منازعه (۲۰۱۲)، ۲. انحصار کلی انعطاف پذیر: وضعیت اقتصادی - سیاسی شمال افغانستان ۲۰۰۱ و بعد از آن (۲۰۱۲)، ۳. اردوی ملی افغانستان: چالش های پایداری فراتر از مسائل مالی (۲۰۱۴)، ۴. سیاسی سازی لیسسه های افغانستان (۲۰۱۵)، ۵. رسیدن به نقطه غلیان: فعالیت گرای لیسسه ها در افغانستان (۲۰۱۵) و ۶. اردوی ملی افغان بعد از نیروهای کمک امنیتی بین المللی (۲۰۱۶).

داکتر گيستوزی دوکتورای خویش را از پوهنتون اقتصاد لندن در رشته روابط بین الملل و لیسانس خود را در رشته تاریخ معاصر از پوهنتون بولنیا بدست آورده است.

فهرست مطالب

در باره واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان	أ
پیشگفتار	د
مقدمه	ه
۱. معرفی: دیدگاه سنتی در مورد منازعاتی که کوچی ها در آن دخیل اند	۱
۲. کوچی ها و ده نشینان در افغانستان	۴
۳. نوع شناسی منازعه	۷
۴. انواع منازعه: ده‌اقین مانع دسترسی کوچی ها میگردند	۸
۱. ۴. بهسود	۸
۲. ۴. مالستان	۱۱
۳. ۴. بیرون از هزاره جات	۱۱
۴. ۴. کوچی ها مانع دسترسی سایر کوچی ها میگردند	۱۳
۵. انواع منازعه: تجاوز کردن از سرحدات	۱۵
۶. انواع منازعه: غصب زمین و اشغال غیر قانونی زمین	۱۷
۱. ۶. چه کسی عامل شر و فساد است؟	۱۷
۲. ۶. اشغال زمین یا غصب زمین؟	۱۹
۳. ۶. کوچی های جایی شده با کوچ هائیکه میخواهند جایی شوند فرق دارد	۱۹
۷. عوامل اساسی منازعه	۲۱
۸. نتیجه گیری	۲۴
مآخذ	۲۷

جدول ها

جدول اول: سروی محلاتی که در منازعه اند	۲
جدول دوم: خلاصه مصاحبه هائیکه صورت گرفته است	۳

نقشه ها

نقشه: ۱	۲
نقشه: ۲	۶

پیشگفتار

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان افتخار دارد که به خواننده گان خود مقاله تحقیقی را در مورد " نوع شناسی منازعه کوچی- جایی در افغانستان تقدیم مینماید که توسط محقق این واحد داکتر انتونیو گیسٹوزی و به همکاری سخاوتمندانۀ مالی نماینده گی اتحادیۀ اروپا در افغانستان تهیه گردیده است. این مقاله بخشی از پروژه بزرگ واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان است که از جانب اتحادیۀ اروپا تمویل گردیده است: تلاش سه جانبه در مورد ساحات ضروری مدیریت منابع طبیعی. تاریخ باشنده گان جایی و کوچی افغانستان دارای قدامت، مغلق و ناگزیر با هم آمیخته است. منازعه میان این گروه ها از نسل ها بدینسو یک ویژه گی متداوم میباشد. به هر صورت، از طریق تحقیقی که درین اوراق بدست آمده است، به انواع جدید منازعاتی که بروز کرده است، پی میبریم. ما همچنان ازین یافته ها در میبایم که به موجودیت پالیسی ها در رابطه به اختصاص ساحات بخاطر توسعه شهری یا زراعت، ضرورت است تا این امر بدینترتیب به پایداری و انکشاف اقتصاد وسیعتر کمک نماید. عدم موجودیت یک چهارچوب مستحکم پالیسی در حال حاضر، عموماً نتیجه ماهیت مغلق این چالش ها میباشد. در واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، توقع داریم که از طریق تحقیق موجود و گفتگوهای باز با مستفید شونده گان کلیدی و همچنان مراجع پالیسی در سطح ملی به این کار ادامه داده تا تحقیق خود را روی این موضوع توسعه دهیم. با حمایت شرکایی مانند اتحادیۀ اروپا از طریق طرزالعمل واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان برای تهیه و پخش هدف و تحقیق به اساس شواهد، این بیچیده گی ها به پالیسی ها و عملکردهای بیشتر روشن توضیح و تشریح خواهد گردید.

با احترام



داکتر اورخلا نعمت

رئیس واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

مقدمه

پروژه واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در مورد منازعه کوچی/ ده نشین در اواخر سال ۲۰۱۶ آغاز گردید. این نخستین مقاله مفصل تحقیقی میباشد که در نتیجه این پروژه بدست آمده است.

در حالیکه منازعه روی سرحدات و زمانبندی مهاجرت یک ویژگی دیرینه روابط کوچی/ ده نشین در افغانستان میباشد، این پروژه واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان که در حال اجراء قرار دارد، دریافته که انواع منازعات جدیدی بروز کرده است. احزاب، سازمان ها و لابی های سیاسی نقش بزرگتری را امروز در افغانستان نسبت به زمان قبل از جنگ بازی میکنند و جمعیت افغانستان در اقدامات جمعی، توانایی بسیار زیادی نسبت به گذشته پیدا کرده است. یک نتیجه مستقیم این انکشاف منازعه روی دسترسی به علفچر ها میباشد: فقط در موجودیت ظرفیت سازماندهی اقدام، مردم میتوانند مانع دسترسی کوچی ها به یک ساحه وسیع گردند طوریکه این امر در هزاره جات به وقوع میپیوندد.

به هر صورت، از نقطه نظر عمومی، شکل بسیار مهم (از نقطه نظر نتایج بالقوه) منازعه کوچی/ ده نشین فعلاً روی سوء استفاده از زمین دولتی معمولاً چراگاه ها است، هردو یعنی کوچی های که جایی شده اند و ده نشینان در نتیجه فشار نفوس و توسعه شهری، تلاش میکنند تا بر چراگاه ها ساختمان بسازند یا آنرا کشت کنند. این امر منجر به بروز منازعات میان باشنده گان جایی و آنانیکه میخواهند جایی شوند، یا میان جایی ها/آنانیکه میخواهند جایی شوند و مردم کوچی که مواشی خود را به چراگاه هایی که غصب گردیده است میبرند، میگردد. منازعه روی سرحدات و تجاوز به زمین زراعتی منجیث یک موضوع باقی میماند، که این امر زارعین را تشویق میکند تا مانع دسترسی کوچی ها گردند، ولی برخورد های خشن ندرتا در نتیجه تجاوزات مستقیم صورت میگیرد. سفارشی را که این پروژه در این مرحله در مورد پالیسی اساسی مطرح میکند اینست که مقامات افغان دیگر نمیتوانند طرح پالیسی را بخاطر تخصیص علفچر ها به توسعه شهری یا زراعت بیشتر ازین به تاخیر اندازند.

۱. معرفی: دیدگاه سنتی در مورد منازعاتی که کوچی ها در آن دخیل اند^۱

در دسامبر سال ۲۰۱۶ واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان پروژه ای را که توسط اتحادیه اروپا تمویل میگردد روی مدیریت منابع طبیعی به راه انداخت. این یک پروژه سه بعدی تحقیقاتی میباشد که یک جزء آن مربوط به منازعه کوچی - ده نشین است. این پروژه در ظرف سه سال طی مراحل مختلف گسترش خواهد یافت. مقاله حاضر بر ایند مرحله نخست این پروژه است که شامل به راه انداختن مطالعه هشت قضیه منازعه کوچی - ده نشین که در اطراف و اکناف افغانستان پراکنده اند، میباشد. همچنان این مقاله شامل مصاحبه ها با مقامات حکومتی، رهبران محلی و سایر کسانی که شاهدان این منازعات بوده اند در ولایات کابل، بامیان، خوست، غزنی، فراه، لوگر و وردک، میباشد. این مقاله منعکس کننده یافته های مرحله اول میباشد که در نتیجه مطالعه هشت قضیه بدست آمده است.

به تعداد ۴۶ مصاحبه مطالعه قضیه در هشت موقعیت (نقشه شماره ۱ و جدول های ۱ و ۲ دیده شود) صورت گرفته است، جایی که منازعه میان کوچی ها و ده نشینان در یک نقطه و یا نقطه دیگر بوقوع پیوسته است. با تعداد مشابه کوچی ها و ده نشینان یا در هشت موقعیتی که در نقشه نشان داده شده است (با عده ای ده نشینان و بسیاری از کوچی ها) مصاحبه صورت گرفته و یا در کدام محل دیگری در امتداد مسیر مهاجرت شان با (بعضی از کوچی ها)، ۱۵ مصاحبه دیگر در کابل بطور انفرادی با کسانی صورت گرفته است که در مورد منازعه کوچی-ده نشین معلومات کافی داشتند، مانند کسانی که در وزارت ها با کمیسیون کوچی ها یا منیث نمایندگان کوچی کار میکردند و غیره. سه مصاحبه با کسانی انجام شده است که با وضعیت در بامیان آشنایی داشته اند، جائیکه زمین ها ملکیت کوچی ها بودند و گزارش شده که غصب گردیده اند. در مجموع ۶۴ مصاحبه تا سپتامبر ۲۰۱۷ صورت گرفته است.

منازعه میان کوچی و ده نشین در افغانستان یک پدیده جدید نیست، و نه اینطور بوده که توجه علمی و اکادمیک را بخود جلب نکرده باشد. توجه مطالعات پیشین روی منازعه میان هزاره ها و کوچی های پشتون در حومه های جنوبی هزاره جات بوده است که یگانه منازعه ای بوده که توجه بسیار زیاد مطبوعات (در حقیقت همه مطبوعات) را بخود جلب نمود. در اثر این توجه و همچنان با در نظر داشت تاریخ منازعه سیاسی و نژادی میان این دو گروه که در مراحل مختلف از جانب دولت یا گروه های سیاسی حمایت میگرددند، منازعه هزاره/کوچی این امر را مشکل میساخت تا منابع اجتماعی، زراعتی، اقتصادی و نفوسی این منازعه را پنهان کرد. مطالعات قضیه منازعه هزاره/کوچی درین مطالعه گنجانیده شده است زیرا اینها یک بخش مهم منازعه وسیع کوچی - ده نشین را منعکس میسازد، ولی چندین مطالعه قضیه منازعه میان کوچی ها و سایر مردم محل نیز گنجانیده شده که در جدول ۱ نشان داده است. گرچه اکثریت بزرگ کوچی ها پشتون اند، اما ازبیک ها، پشه یی ها، ایماق ها، بلوچ ها، ترکمن ها و گوجرها نیز مردم کوچی دارند. هشت مطالعه قضیه که انتخاب گردیده یکی آن کوچی های ازبیک و دیگری کوچی های بلوچ را شامل میگردد. نمونه ای از مطالعه قضیه که انتخاب گردیده نمایندگی از منازعات عام کوچی - ده نشین کرده نمیتواند، زیرا نقشه برداری دقیق و درست از این گونه منازعات صورت نگرفته است. مطالعه قضیای که انتخاب گردیده مبنی بر ملحوظات ذیل به اساس لیست منازعات شناخته شده که از جانب شوراهای مختلف کوچی ها در کابل تهیه گردیده است، میباشد:

- مسایل مربوط به لوجستیک برای رسیدن به موقعیت مصاحبه کننده گان
- شامل ساختن انواع مختلف محیط های اجتماعی، نژادی و اقتصادی
- شامل ساختن یک آمیخته ای از قطعنامه های موفق که در نتیجه گفتگو ها به میان آمده و همچنان منازعات موجود و جاری.
- شامل ساختن آنده منازعاتی که اکثراً در مناطقی که نسبتاً دارای نفوس متراکم اند، جائیکه تأثیر خشونت و درگیری بزرگتر میباشد.

۱ در سراسر این مقاله اصطلاح/کوچی که مورد استفاده قرار گرفته به همه انواع کوچی ها راجع میگردد، در حالیکه اصطلاح کوچی (پشتون) فقط به کوچی های پشتون بر میگردد.

۲ برای نشرات سابق واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در مورد این موضوع مدارک ذیل را ببینید: " جستجو برای صلح بر علفچر ها: ارتباطات زمین های محل در افغانستان نوشته لیز الدین ویلی کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۰۴؛ مارین پترسن، " علفچر های شیوا، ۱۹۷۸-۲۰۰۳: تغییرات اشغال زمین در شمال شرق بدخشان، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۰۴؛ ای گیسوتوی، " ترسیم کردن منازعه کوچی-ده نشین در افغانستان"، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۷.

نقشه: ۱



جدول اول: سروی محلاتی که در منازعه اند

ده نشینان هزاره در مقابل کوچی های پشتون	مالستان (غزنی)
ده نشینان هزاره در مقابل کوچی های پشتون	بهمسود (وردک)
ده نشینان پشتون در مقابل کوچی های پشتون	ازره (لوگر)
ده نشینان پشتون در مقابل کوچی های پشتون	دیری (ولسوالی متون، خوست)
ده نشینان بلوچ در مقابل ده نشینان پشتون	فراه
کوچی های بلوچ در مقابل کوچی های پشتون	فراه
ده نشینان تاجیک و پشتون در مقابل کوچی های پشتون	ده سبز (کابل)
کوچی های ازبیک در مقابل ده نشینان پشتون	امام صاحب (کندز)

این سلسله مطالعه قضیه در بر گیرنده همه انواع منازعات کوچی/ ده نشین در افغانستان نیست. قضیه هایی از منازعاتی گزارش داده شده که بطور مثال ۳ میان پشه بی ها و پشتون هاصورت گرفته است. بطور عمومی هشت مطالعه قضیه، نماینده گی از اکثریت منازعات کوچی - ده نشین مینماید نه از اقلیت، زیرا این منازعات در اکثر مناطق افغانستان که کوچی ها مهاجرت مینمایند، بوقوع مییوندد.

جدول دوم: خلاصه مصاحبه هائیکه صورت گرفته است

بزرگان کوچی	بزرگان قریه	مقامات	حکومتی	سیاسیون و نماینده گان در کابل	تحلیل گران	مجموعه
بهدود	3	4				
مالستان	3	2				
ده سبز	3	3				
خاک چبار	3	3				
ازره	3	3				
فراه	4	2				
امام صاحب	2	2				
خوست	3	3				
سایر موقعیت ها	2	1	6	7	2	
مجموعه	26	23	6	7	2	64

این مقاله مشتمل بر پنج بخش است. بخش اول (کوچی ها و ده نشینان در افغانستان) عنوان تحقیق را از طریق باز نگری یکعهده ویژگی های تعامل کوچی/ ده نشین قبل و بعد از جنگ در افغانستان معرفی مینماید. سه بخش بعدی، سه نوع عمده منازعه را که در نتیجه مصاحبه های انجام شده آشکار گردیده، بررسی مینمایند:

- ممانعت ده نشینان از دسترسی کوچی ها
- مقاومت روی عدم موجودیت علامه گزاری و تخطی از سرحدات
- غصب زمین و اشغال غیر قانونی زمین های دولتی

بخش پنجم و آخری به عوامل اساسی انواع منازعاتی که در سه بخش قبلی توضیح گردیده است نظر میاندازد. بخش نتیجه گیری عواقب یافته های این مقاله را از نقطه نظر ساختن پالیسی و تحقیق بیشتر پیگیری مینماید.

۲. کوچی ها و ده نشینان در افغانستان

در حالیکه تعداد واقعی کوچی ها در افغانستان معلوم نیست، موجودیت ایشان هنوز هم مهم بوده و اقتصاد روستایی را متأثر میسازد. بررسی ای که در سال ۲۰۰۴ صورت گرفته است تعداد کوچی هائی را که عملاً به کوچ کردن میپردازند ۱٫۵ میلیون تخمین نموده است (شامل هردو یعنی خانوار های کوچی و آنچه اعضای خانوار های کوچی جایی شده که عملاً به کوچ کردن و مهاجرت میپردازند)، ولی بدون در نظر داشت صحت این تعداد، امروز بطور یقینی تعداد کوچی ها پائینتر از آن است. تعداد واقعی کوچی ها در افغانستان هر چه باشد، تعداد موآشی فعلاً به ۴ میلیون تخمین زده شده است که از تخمین ۱۷ میلیون در سال ۲۰۰۴ پائینتر است. گرچه حد اوسط اندازه رمه ها بطور یقینی در جریان این سال ها پائین آمده است، چنین یک کاهش گسترده موآشی دلالت بر کاهش سریع تعداد کوچی ها مینماید.^۴ یافته های مقاله ابتدایی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان نیز حاکی از سرعت جایی گرایی است.^۵ این کاهش باید تا یک مقدار در تعداد در حال کاهش کوچی ها منعکس میگردد، گرچه ضروری نبود تا به عین تناسب صورت میگرفت. به نظر میرسید که در سال ۲۰۰۴ تقریباً ۳۶۵،۰۰۰ کوچی جایی گردیده باشند، در حالیکه کم و بیش ۰٫۵ میلیون خانوار مربوط به کوچی هایی میگردیدند که به مهاجرت موسمی با موآشی نمیپرداختند. خانوار های کاملاً کوچی، که در خیمه ها زنده گی میکنند و خانه ثابت ندارند، امکان دارد که فعلاً به تعداد کمی وجود داشته باشند.^۶ بسیاری از جمعیت کوچی قسماً جایی گردیده اند، که باعث ایجاد جمعیت چند گانه و نیمه جایی گردیده است جائیکه یکعده از اعضای این جمعیت در خانه ها زنده گی میکنند و به مهاجرت های موسمی نمیپردازند در حالیکه یکعده دیگر شان با موآشی در علفچر های سر سبز همه ساله مهاجرت مینمایند. گروه های به اصطلاح نیمه کوچی نیز وجود دارند که دارای منازل میباشند ولی هنوز هم خانواده های شانرا همه ساله به مسیر مهاجرت موسمی باخود میبرند. منابع حکومتی هنوز هم تعداد کوچی هایی را که قسماً جایی گردیده اند به یک میلیون تخمین میزنند، که یک قسمت از خانوار های خویش را در جاه های ثابت نگه میدارند و متباقی را در مهاجرت های موسمی با خود میبرند.^۷

نقشه ۲ بررسی اخیر مسیر های مهاجرت کوچی ها را نشان میدهد که توسط پروژه (شبنی، تطابق و افزایش ظرفیت) که از جانب USAID تمویل میگردد، آماده گردیده است. در نقشه این امر آشکار است که اکثریت کوچی ها جانب علفچر های هزاره جات (بلندی های مرکزی) مهاجرت میکردند که از نظر کوچی ها در موسم تابستان بهترین محل تلقی میگردد، اما در مسیر های طولانی این مهاجرت ها علفچر هایی وجود دارد که همیشه توسط کوچی ها مورد استفاده قرار میگیرند.^۸ بنابراین بسیاری از اطراف و اکناف افغانستان از این مهاجرت ها متأثر میگردد.

ارتباط میان کوچی ها و ده نشینان امریست پیچیده. قبل از جنگ معمولاً حد اقل عنصر همزیستی وجود داشت: کوچی ها با خود کالاهائی که بدست آوردن آن از راه های دیگر برای ده نشینان مشکل بود، برای فروش به قریه جات دور افتاده میبردند، و همچنان در بسیاری از ساحات گوشت تازه فراوان و محصولات لبنی را حد اقل در بخشی از سال در بسیاری از ساحات مهیا میساختند. بطور عمومی، تخمین گردیده است که دو سوم حصه همه حیواناتی که در افغانستان به فروش میرسند توسط کوچی ها پرورش می یابند به هر صورت، با توسعه شبکه سرک ها در افغانستان، فعالیت های تجارتي کوچی ها برای یک بخش در حال رشد نفوس روستایی^۹ افغانستان بطور فزاینده بی ثمر گردیده است.^{۱۰} در عین وقت تشنج میان کوچی ها و ده نشینان بطور ویژه در بعضی مناطق وجود داشت. این تشنج ناشی از دو علت بود:

- تحت نظام سلطنتی، قطعات بزرگ زمین بر اساس فرمان حکومت به کوچی ها -به قیمت جمعیت مسکونی، بطور ویژه هزاره ها-، منتقل گردید. هزاره ها بطور خاص اعتبار حکم یعقوب خان، والی کابل، در مورد تسلیمی قطعات وسیع زمین رابه کوچی ها در دسامبر ۱۸۷۸ - فبروری ۱۸۷۹ که بی ثباتی سیاسی و بی نظمی در افغانستان حکمفرما بود، تحت سوال قرار دادند.
- رمه های کوچی اکثراً در علفچر ها و زمین های زراعتی (بدون علامه گذاری) قریه تجاوز میکردند که به حاصلات صدمه وارد میکردند و مانع سعی ده نشینان برای پرورش موآشی شخصی خودشان میگردد.

تلاش های حکومت جهت منظم کردن روابط کوچی - ده نشین بطور سطحی جای پا پیدا کرد. قوانین چرا گاه ها که از سالهای ۱۹۶۰ معرفی گردید، حق ده نشینان را در چرا گاه های خود شان در اطراف قریه جات به رسمیت شناخت، اما این قوانین بطور ضعیف تعریف

۴ مصاحبه با دکتر عصمت الله خوستی، مشاور رئیس عمومی ریاست عمومی مستقل کوچی ها (پشتون)، اکتوبر ۲۰۱۷.

۵ ای گیسٹوری، «ترسیم مناظره کوچی-دهقان در افغانستان»، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۷.

۶ فروک دی ویبیر، «بررسی چند جانبه ملی کوچی»، (کابل، ۲۰۰۵) فرکی دی ویجر، «رمه داران کوچی افغانستان: تغییر و تطابق»، مردم کوچی، جلد ۱۱، طبع ۱ (۲۰۰۷): ۹-۳۷.

۷ ایما گراهام - هاریسون، «صدمات پنهان جنگ افغانستان: دهقین کوچی بیشتر با زنده گی جایی تطابق میکنند»، گاردین، ۹ جنوری ۲۰۱۳؛ لیز ایدلن ویلی، «در جستجوی صلح بر علفچر ها» (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۰۴).

۸ برای یک اندازه معلومات در مورد پس منظر مناظره میان کوچی ها و دهقین هزاره در وردک، «ارتباطات شکسته» نوشته کی نوایی (کابل: کاپا، ۲۰۱۰).

۹ «کاهش خطر برای مردم افغانستان» (یو اس اید: پروژه صلح افغانستان) <http://afghanpeace.org> ۱۰ Klaus Ferdinand

۱۰ «توسعه کوچی و تجارت در افغانستان مرکزی» فولک، ۴، ۱۹۶۲.

گردیده و ضرورتاً تنفیذ هم نگردید.^{۱۱} تصور کلی حد اقل میان هزاره ها این بود که حکومت از کوچی ها حمایت میکرد و این چنین پنداشته میشد که شکایت کردن از تجاوز بر زمین های زراعتی و علفچر ها فقط باعث مشکلات بیشتر برای ده نشینان میگردد.^{۱۲}

حکومت های افغانستان همیشه بطور کامل از کوچی ها حمایت نمیکرد؛ قاچاق که توسط آنها در امتداد مرز پاکستان صورت میگرفت به جمع آوری مالیه صدمه وارد میکرد و گروپ های مخالف میتوانستند به این طریق از آنها برای انتقال سلاح به داخل کشور استفاده نمایند. انتقال بدهند. به هر صورت، زمانیکه پالیسی های انکشافی از ۱۹۵۰ به بعد مشهور گردید، برنامه های مختلف برای اسکان کوچی ها مورد بحث قرار گرفت و در بعضی اوقات حتی برای تطبیق آن تلاش هم صورت گرفت. در نتیجه پروسه های متداخل سرمایه دار شدن کوچی ها (از طریق تجارت و تصاحب زمین)، آشنایی باتعلیم و تربیه، تأثیر جنگ (از ۱۹۷۸ به بعد) و مسدود گردیدن مسیر های مهاجرت و غیره موقعیت آنها کاهش یافت.^{۱۳}

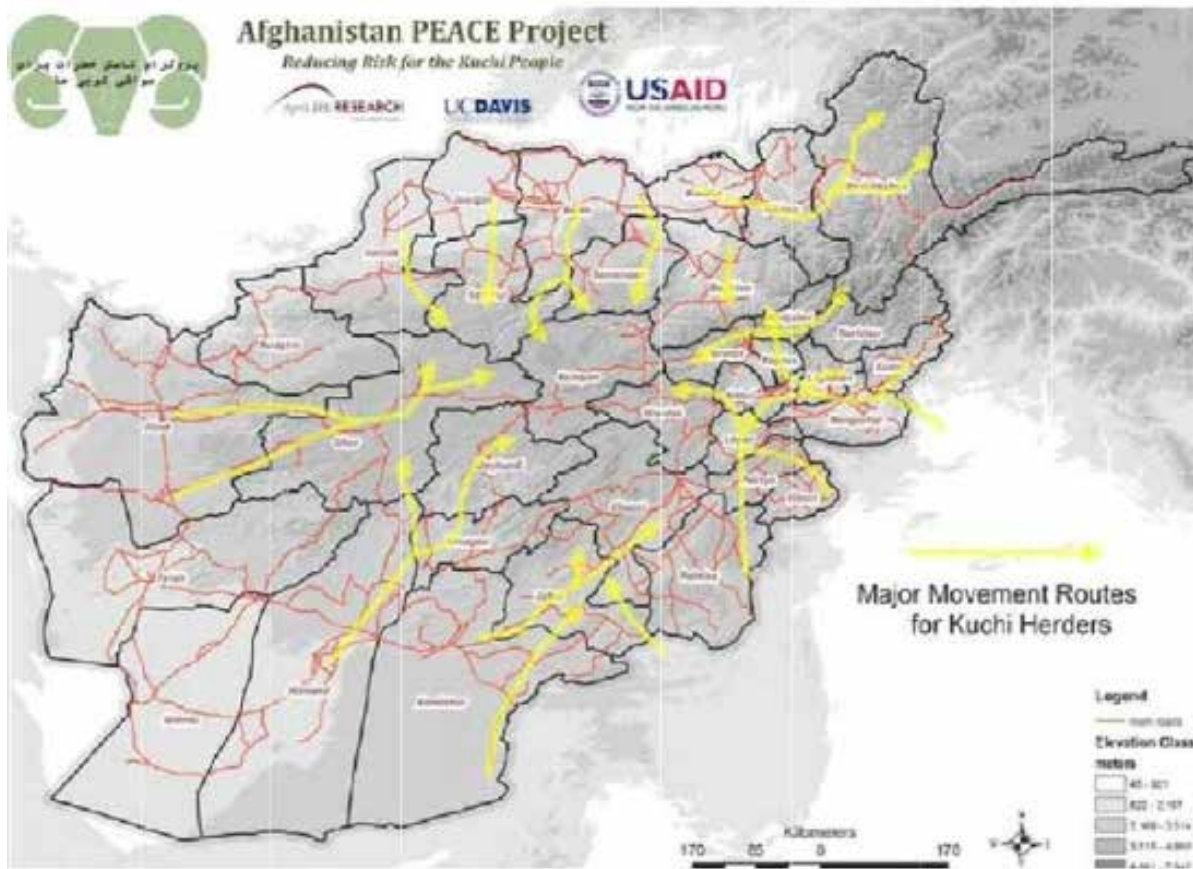
تا سال ۲۰۰۱، کوچی ها و ده نشینان دیگر دو طبقه متمایز نبودند. طوریکه در صفحات بعدی این امر واضح خواهد گردید، کوچی های خالص اقلیتی است که شاید یک سومی از تقریباً سه میلیون نفوس تخمین شده کوچی را تشکیل دهند. جمعیت نیمه جایی و مخلوط کوچی ها یک طبقه بزرگی است که تعریف های سنتی را به چالش میکشد: مردان کلان سال و یکعده دیگری از اعضای جمعیت که به مهاجرت های موسمی ادامه میدهند، در جستجوی علوفه بهتر که حیوانات شان را فربه خواهد کرد، اما نوزادان، اشخاص ناتوان، مریضان، اطفالی که در مکتب میروند و سایر اعضای جمعیت در منازل ثابتی که در یک طرف آخر مسیر مهاجرت قرار دارند، باقی میمانند. بخش مسکون شده جمعیت امکان دارد که مشغول بعضی کار های زراعتی گردند هرچند اگر دامداری هنوز هم مورد علاقه شان باقی بماند. در میان ده نشینان، بسیاری شان قبلاً کوچی بوده اند که در سالهای اخیر زندگی به شیوه کوچی را ترک کرده اند، اما امکان دارد که رمه های تقریباً کلان را حفظ کرده و هنوز هم خویشاوندان نزدیکی داشته باشند که بطور موسمی با مواشی شان مهاجرت نمایند. این تمایز که در حال محو شدن میباشد کار تحلیل نمونه های منازعات را بیشتر پیچیده میسازد، اما نویسنده تصمیم گرفته تا نمونه این منازعات را حفظ نماید حتی اگر قضایای منازعات میان کوچی-ده نشین بسیار روشن هم نباشند، زیرا این تصویر که در حال محو شدن میباشد واقعیتی است که پالیسی سازان و آنانیکه در رسیده گی این وضعیت دخیل اند واقعاً با آن مواجه خواهند گردید.

۱۱ مصاحبه با کارمند اراضی، کابل، سپتمبر ۲۰۱۷؛ مصاحبه با کارشناس اشغال زمین، کابل، سپتمبر ۲۰۱۷. همچنان نوشته آقای شریف و آقای صفر، "اداره مدیریت زمین در افغانستان" را ببینید. بلو موندس: تیرا انستیتیوت، جون ۲۰۰۸.

۱۲ همه هشت تن از هزاره ها که همراه شان درین پروژه مصاحبه صورت گرفته این احساس را تأیید کرده است.

۱۳ فابریزوی فوشینی، «سرگردانی اجتماعی کوچی ای افغان» (برلن؛ ای ای ان، ۲۰۱۳)؛ دی ویجری، «بررسی چند جانبه ملی». در بررسی سال ۲۰۰۵ به رهبری دی ویجری، از دست دادن مواشی دلیل بسیار مهم کوچی ها (پشتون) برای تصمیم گرفتن برای جایی شدن نشان داده شده بود.

نقشه: ۲



۳. نوع شناسی منازعه

منابعی در ریاست کوچی ها انواع ذیل منازعات را شناسایی نموده اند که کوچی ها در آن دخیل میباشند:

- ا. کوچی ها از دسترسی به علفچر ها بازداشته شده اند؛
- ب. منازعه روی سرحدات علفچر های مخصوص قریه جات و علفچر های عمومی برای کوچی ها؛
- ج. کوچی ها در علفچر ها ساختمان میسازند؛
- د. ده نشینان چراگاه ها را بخاطر زراعت تصاحب میکنند؛
- ه. ده نشینان از وارد شدن صدمه بر محصولات توسط رمه های کوچی ها شکایت میکنند؛
- و. منازعه میان جمعیت های مختلف کوچی؛
- ز. منازعه میان کوچی ها و مقامات حکومتی^{۱۴}

غصب زمین و تصاحب غیر قانونی علفچر ها امروز به نظر میرسد که انواع مهم منازعاتی را تشکیل میدهند که کوچی ها در آن دخیل اند و انواع منازعات سابقه مانند کشمکش روی سرحدات و زمانبندی را تحت الشعاع خویش قرار داده است.^{۱۵} نماینده گان کوچی ها با لستی که در بالا ذکر شد تقریباً موافق اند و بر اهمیت غصب زمین منحصراً در منازعه در مقایسه با انواع دیگر منازعات پا فشاری میکنند.^{۱۶}

این مقاله انواع منازعات را ذیلماً بازنگری کرده و آنانرا تحت سه کتگوری دسته بندی مینماید:

- از دسترسی به علفچر ها بازداشته شده اند (انواع الف و واو)؛
- تجاوز از سرحدات (انواع ب و ج)؛
- غصب زمین و اشغال غیر قانونی زمین (انواع ج و دال)؛

منازعه نوع "ز" که در بالا ذکر گردید در محدوده این مطالعه که متمرکز بر منازعه کوچی/ ده نشین است، قرار نمیگیرد.

۱۴ مصاحبه با داکتر عصمت الله خوستی، مشاور رئیس عمومی ریاست عمومی مستقل کوچی ها (پشتون)، اکتوبر ۲۰۱۷.

۱۵ مصاحبه با داکتر عصمت الله خوستی، مشاور رئیس عمومی ریاست عمومی مستقل کوچی ها (پشتون)، اکتوبر ۲۰۱۷.

۱۶ مصاحبه با حاجی خان وزیر، رئیس شورای خماری خیل برای ده سبز و قره باغ، پوزه خروتی باریکاب، اکتوبر ۲۰۱۷.

۴. انواع منازعه: دهاقین مانع دسترسی کوچی‌ها میگردند

۴.۱ بهسود

مسدود کردن مسیرهای مهاجرت توسط جمعیت زراعت پیشه به نظر میرسد که اکثراً در حومه‌های جنوبی هزاره‌جات، بطور خاص در ولسوالی بهسود ولایت وردک به وقوع پیوسته، ولی در بخش‌هایی از ولایت غزنی نیز چنین کاری صورت گرفته است. بهسود یکی از مسیرهای عمده دسترسی به علفچرهای مرکزی افغانستان میباشد که با مسدود کردن آن هزاره‌ها مانع رسیدن کوچی‌ها به علفچرهای هزاره‌جات میگردند.^{۱۷} یک دلیل که برای ممانعت از دسترسی کوچی‌ها به علفچرها ارایه میگردد، جلوگیری از صدمه رساندن به حاصلات و علفچرهای قریه میباشد:

در سال ۱۳۸۸ (۲۰۰۹-۱۰) بود که کوچی‌ها برای اولین بار در دوران حکومت کززی بار دیگر تلاش کردند تا با حیوانات خویش وارد ولایات مرکزی افغانستان شوند. این برای ما بسیار دشوار بود که هزاران رأس مواشی ایشان بر زمین‌های زراعتی مایان بگذرند. درگیری در قریه دهن برک ساحه کجابه مربوط حصه دوم ولسوالی بهسود آغاز گردید. هنگامیکه کوچی‌ها از قریه دهن برک با هزاران رأس حیوانات شان از زمین‌های زراعتی عبور میکردند و میخواستند به سفر شان تا ولایت بامیان ادامه بدهند، توسط یک دهقان متوقف گردیدند که نمیخواست کوچی‌ها از زمینش عبور نماید، ولی کوچی‌ها بر آن دهقان آتش کشوند و وی را کشتند. بعداً درگیری میان مردم هزاره و کوچی‌ها آغاز گردید. زیرا ولایت وردک دروازه کوچی‌ها برای داخل شدن به ولایت‌های بامیان و غور میباشد، ولی آنان با هزاران رأس مواشی خود عبور مینمایند، آنان از زمین‌های ما عبور مینمایند و زراعت ما را تخریب میکنند.^{۱۸}

این منازعه ریشه‌های عمیق تاریخی داشته و دولت نو ظهور افغانستان در اواخر قرن ۱۹ از کوچی‌ها جهت مطیع کردن هزاره‌ها، استفاده کرده است.^{۱۹}

حکومت گذشته یک حکومت پشتون‌گرا بود و سایر نژادها بخصوص جامعه هزاره تا سال ۱۳۵۸ تا آنکه اروپایان مجاهدین در ساحات مختلف ظاهر گردیدند، ارزش زیادی برای حکومت گذشته نداشتند. هنگامیکه یعقوب خان والی کابل بود، وی فرمانی را صادر کرد که به کوچی‌ها اجازه میداد تا از علفچرهای ولایات مرکزی افغانستان استفاده کنند. چونکه ما بی قدرت بودیم، آنان از علفچرهای ما استفاده میکردند و در مقابل هزاره‌ها مرتکب جنایات بسیار زیاد میگرددند. ما به کوچی‌ها اجازه میدادیم که هر کاری را انجام بدهند و ما خاموشی اختیار میکردیم، و این امر باعث میشد که درینجا کدام جنگ صورت نگیرد. نقش حکومت حبیب‌الله خان، ظاهر شاه و سایرین مانند نقش طالبان بود.^{۲۰}

از زمان آغاز این منازعه در ۲۰۰۹، تغییرات بسیار ناچیز درین زمینه صورت گرفته است. منازعه بهسود دو لایه دارد. ده نشینان هزاره در بهسود احتمالاً آنانی باشند که بیشترین صدمه را از ناحیه مهاجرت موسمی کوچی‌ها متقبل میگرددند، زیرا این نقطه عمده دسترسی بود که آنان با هزاران رأس حیوان از آن عبور میکردند. صدمه به چراگاه‌ها و حاصلات غیر محدود و غیر محافظت شده قریه قابل ملاحظه بوده و شاید در مقایسه با دیگر مناطق بیشتر میبود که بعداً کوچی‌ها در امتداد مسیرهای مختلف از هم متفرق میگرددند.^{۲۱} در حالیکه بسیاری از کوچی‌ها هر گونه نظریه وارد کردن خساره به حاصلات و علفچرهای قریه را رد میکنند^{۲۲}، حتی یکعده از کوچی‌هاییکه با ایشان مصاحبه صورت گرفته است، میپذیرند که امکان دارد این مشکلات وجود داشته باشد:

حکومت باید سلاح‌ها را از نزد این قوماندانان و هزاره‌ها و همچنان سلاح‌های ما را جمع‌آوری کند و به آنان بگوید تا به کوچی‌ها به کوه‌ها اجازه بدهند و به کوچی‌ها بگوید تا به مزارع هزاره‌ها تجاوز نکنند، ولی بدبختانه که نه حکومت و نه هم هزاره‌ها میخواهند تا این مشکل حل و فصل گردد.^{۲۳}

۱۷ مصاحبه با یک کارمند بخش علفچرها

۱۸ مصاحبه با بزرگ محله دهاقین از قریه لته بند در منطقه کجابه ولسوالی بهسود، فبروری ۲۰۱۷.

۱۹ اس.ای. موسوی، هزاره‌های افغانستان (لندن: کرزون، ۱۹۹۸)؛ حسن کاکر، تاریخ سیاسی و دیپلماتیک افغانستان ۱۸۶۳ - ۱۹۰۱ (لیدن: بریل، ۲۰۱۲)؛ مصاحبه با بزرگ محله دهاقین از قریه لته بند در منطقه کجابه ولسوالی بهسود، فبروری ۲۰۱۷.

۲۰ مصاحبه با کلان قریه، قریه کارپوایی ای منطقه سرچشمه، فبروری ۲۰۱۷.

۲۱ مصاحبه با کلان محله ده نشینان ساحه کجابه، حصه ۲ ولسوالی بهسود، قریه گنداب، فبروری ۲۰۱۷؛ مصاحبه با کلان قریه کارپوایی منطقه سرچشمه، ۱۵ فبروری ۲۰۱۷.

۲۲ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون) از قبیله خيروخیل در ولایت میدان وردک، ۲۲ نومبر ۲۰۱۶.

۲۳ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون) از قبیله خيروخیل در ولایت میدان وردک، ۲۲ نومبر ۲۰۱۶.

از ده نشینان هزاره بطور عام شنیده می شود که هزاره جات در سالهای ۱۹۸۰ و نصف اول سالهای ۱۹۹۰ تحت کنترل احزاب و ملیشه های هزاره بود. این گروه ها و سازمان ها از اوایل ۱۹۸۰ به بعد به کوچی ها اجازه ورود به هزاره جات را نمیدادند. این همان زمانی است که اولین منازعه خشونت بار آغاز گردید.

بعداً قدرتمند شدن کوچی ها در زمان امارت اسلامی طالبان (۱۹۹۶ - ۲۰۰۱) منتج به این گردید که نه تنها آنها به هزاره جات دسترسی پیدا کنند، بلکه در جریان مهاجرت با هزاره ها بطور بی بندوبارانه برخورد نمایند، زیرا هزاره ها دیگر شکست خورده، خلع سلاح گردیده و بیشتر ازین مخالفت کرده نمیتوانند. براساس اظهارات ده نشینان، بعد از سقوط امارت اسلامی کوچی ها تلاش کردند تا با سرکشی به مهاجرت های شان ادامه دهند، اما با عکس العمل مردم و سازمان های هزاره مواجه گردیدند.

قبل از طالبان دوران مجاهدین بود، و مردم هزاره در ولایات مرکزی افغانستان قدرت کافی داشتند و کوچی هانمیتوانستند بعد از ۱۳۵۸ به هزاره جات بیایند. منازعه در اوایل حکومت کوزی آغاز گردید، زیرا کوچی ها تحت حکومت طالبان قدرت زیادی داشتند و مردم هزاره فاقد قدرت بودند. در دوران چهار سال قدرت طالبان در افغانستان، کوچی ها بر اکثریت زمین های زراعتی ما کنترل داشتند و ما قادر به ایستاده گی در برابر آنان نبودیم. هنگامیکه حکومت کوزی تأسیس گردید، کوچی ها دوباره تصور کردند که آنان عین قدرتی را که در زمان طالبان داشتند دارند و میتوانند که هزاران رأس مواشی شانرا از طریق قریه جات ولسوالی های بهسود و دایمرداد با خود گرفته و به ولایات مرکزی افغانستان مانند بامیان و غور ببرند. ولی ما دیگر ناتوان نبودیم طوری که در زمان طالبان بودیم و هنگامیکه کوچی ها برای بار اول در جریان حکومت کوزی در سال ۱۳۸۶ در قریه جات ما با هزاران رأس مواشی آمدند، بلی هنگامیکه هزاران رأس مواشی از زمین های زراعتی ما عبور میکنند، آنان حاصلات را بطور کامل تخریب میکنند. ما در برابر کوچی ها ایستادیم، آنان بر ما حمله کردند. در آن زمان ما سلاح زیاد نداشتیم ولی به هر صورت با آنان جنگیدیم و بسیار مردم از هر دو جانب کشته شدند. جنگ در اوایل حکومت کوزی آغاز گردید، بعداً ما دانستیم که حکومت مایل به حل و فصل این مشکل نیست، بناءً ما حیوانات (گاوها و گوسفند های) خود را فروختیم تا اسلحه خریداری نمائیم و در برابر کوچی ها جنگ کنیم.^{۲۴}

ده نشینان محلی هزاره اکثراً از این امر انکار میکنند که از سایر حصص هزاره جات و از جانب احزاب و گروههای هزاره کمک دریافت کرده اند؛ آنان در عوض ادعا میکنند که حیوانات خود را فروخته اند تا بدین ترتیب اسلحه خریداری کنند، طوری که در بالا نقل قول گردید.^{۲۵} این امر غیر ممکن به نظر میرسد که دهاقین محلی بدون احزاب هزاره و قوماندانان ملیشه های پیشین که طبق گزارشات صد ها تن را به حمایت از هزاره های بهسود بسیج نموده اند، در برابر کوچی ها مقاومت بتوانند. بطور مشابه، کوچی ها نیز از دریافت کمک های خارجی انکار میورزند، ولی بطور مکرر متهم به این گردیده اند که بعضی اوقات طالبان و احياناً کوچی های متنفع با ایشان همکاری میکنند که این کار منتج به برخورد های خشن میان کوچی ها و هزاره ها گردیده و سالانه منجر به قربانی گرفتن ده ها تن میگردد.^{۲۶} منابع کوچی ها حد اقل میپذیرند که آنان از شورا های قومی کمک دریافت مینمایند:^{۲۷}

ما قبیله خيروخیل یک شورا داریم. در صورتیکه آنها همراهی ما کمک نکنند پس حمایت ما را از دست خواهند داد. محله ما با ما کمک پولی مینمایند و هنگامیکه ما با قبیله دیگری منازعه داشته باشیم خواه این قبیله در خوست، ننگرهار، لوگر، قندهار و یا در سایر نقاط حضور داشته باشند این شورا نیز با ما از طریق فرستادن افراد کمک میکنند.^{۲۸}

منابع کوچی ها همچنان پذیرفته اند که آنان از یکدهه سیاسیون ملی و غیر کوچی پشتون نیز کمک دریافت مینمایند.^{۲۹} حد اقل دو فردیکه همراهیش مصاحبه صورت گرفته است پذیرفته اند که از دو تن کوچی متنفع کمک دریافت کرده اند.^{۳۰} یکتن دیگر قبول کرد که یک سازمان شورشی یکمقدار اسلحه در اختیار آنان گذاشته است.^{۳۱} یکتن پذیرفت که در بعضی مقاطع طالبان با کوچی ها قبل از آنکه آنانرا ترک کنند، کمک کرده اند.^{۳۲}

۲۴ مصاحبه با کلان قریه، قریه کاروانی ای منطقه سرچشمه، فبروری ۲۰۱۷.

۲۵ مصاحبه با کلان قریه، قریه کاروانی منطقه سرچشمه، فبروری ۲۰۱۷. مصاحبه با بزرگ محله دهاقین از قریه لته بند در منطقه کجاب ولسوالی بهسود، فبروری ۲۰۱۷.

۲۶ مصاحبه با کلان قریه، قریه کارپوانی منطقه سرچشمه، فبروری ۲۰۱۷.

۲۷ مصاحبه با یک عضو شورای کوچی های (پشتون) افغانستان، کابل جون ۲۰۱۷.

۲۸ مصاحبه با کلان کوچی از (پشتون) قبیله خيروخیل در ولایت میدان وردک، نومبر ۲۰۱۶.

۲۹ مصاحبه با کلان کوچی از (پشتون) قبیله خيروخیل در ولایت میدان وردک، ۲۲ نومبر ۲۰۱۶. مصاحبه با کلان کوچی از (پشتون) قبیله ناصر، در منطقه سرچشمه ولایت میدان وردک، نومبر ۲۰۱۶.

۳۰ مصاحبه با کلان کوچی از (پشتون) قبیله ناصر، در منطقه سرچشمه ولایت میدان وردک، نومبر ۲۰۱۶. مصاحبه با یک عضو شورای کوچی های افغانستان، کابل جون ۲۰۱۷.

۳۱ مصاحبه با کلان کوچی از (پشتون) قبیله ناصر، در منطقه سرچشمه ولایت میدان وردک، نومبر ۲۰۱۶.

۳۲ مصاحبه با یک عضو شورای کوچی های (پشتون) افغانستان، کابل جون ۲۰۱۷.

منازعه در بهسود صدمه اقتصادی قابل ملاحظه‌ای به کوچی‌ها که قادر نیستند از علفچرهای هزاره‌جات مرکزی استفاده نمایند، وارد کرده است. در بعضی قضایا کوچی‌ها مسیرهای خویش را به جانب سایر علفچرها در بخش‌های مختلف افغانستان، تغییر داده‌اند، در بعضی قضایا کوچی‌ها یک‌کده مواشی خود را از دست داده‌اند. در نتیجه ده‌نشینان محلی نیز به پیمان‌ه کوچی‌ها متضرر گردیده‌اند.^{۳۳}

در واقع با اجازه ندادن کوچی‌ها، ما در زمین‌های خود چیزی کشت کرده نمیتوانیم، زیرا هر سال درین جا جنگ بوقوع میپوندد و هر باری که جنگ صورت میگیرد زمین‌های زراعتی و خانه‌ها تخریب میگردند.^{۳۴}

احزاب و لابی‌ها نیز برای گروه‌های درگیر در جنگ حمایت سیاسی فراهم می‌نمایند، که این امر منجر به سیاسی‌سازی و "ملی‌سازی" این منازعه، که بطور وسیع تحت پوشش مطبوعات قرار میگیرد، میگردد. بطور تدریجی عوامل محلی منازعه اهمیت خود را از دست داده و تحت الشعاع یک تقابل وسیع سیاسی قرار گرفتند. یک مقام رسمی وزارت زراعت، آبیاری و مالدارن چنین اظهار نظر کرد:

این منازعه بیشتر یک مسئله سیاسی است تا اینکه یک مشکل علفچر باشد. این مشکل امکان ندارد که توسط قانون اراضی در رابطه به استفاده از علفچرها حل و فصل گردد. کمیسیون حل و فصل این منازعات نزد ما نیامده‌اند حتی یک‌دفعه هم از ما در رابطه به قانون علفچرها پرسیده‌اند. این یک موضوع سیاسی است؛ مقامات بسیار بلند پایه و حتی کشورهای خارجی درین منازعه مداخله میکنند.^{۳۵}

در حالیکه منازعه در بهسود به یک مسئله بسیار خشونت‌بار میان کوچی‌ها-ده‌نشینان در افغانستان مبدل گردیده است، امکان دارد که در صورت برداشتن موانع از مسیر مهاجرت کوچی‌ها، منازعه در سایر نقاط مرتفع‌گسترش یابد، البته به یک شکل ضعیف. بطور مثال، افرادی که در مالستان با ایشان مصاحبه صورت گرفته است، ندیده‌اند که از زمان ایجاد موانع در مناطق شان کوچی‌ها آمده باشند، اما آنها خاطر نشان کردند که در صورت آمدن کوچی‌ها آنها با ایشان خواهند جنگید.^{۳۶}

در نتیجه کوچی‌های زمیندار نمیتوانند به زمین‌های خویش در هزاره‌جات برسند، یک سلسله منازعات روی زمین‌ها نیز ظهور کرده است که منازعه کوچی-ده‌نشین را متأثر نموده است. ده‌اقلین محلی و ظاهراً یک‌کده مردمان متنفذ کوچک محلی که همیشه توسط مقامات محلی حمایت شده‌اند، زمین‌های کوچی‌ها را تصاحب نموده‌اند و اندک دلچسپی دارند که ببینند کوچی‌ها دوباره به ارتفاعات مرکزی دسترسی پیدا کرده‌اند؛ به همین دلیل آنها با ده‌نشینان بهسود و دایمیرداد کمک میکنند.^{۳۷} یک منبع محلی در ولایت بامیان تأیید کرد که یکمقدار زمین‌هایی که ملکیت کوچی بودند، توسط قوماندانان هزاره تصاحب شده‌اند، در حالیکه سایر زمین‌ها توسط ده‌نشینان تصاحب گردیده و آنان آن زمین‌ها را کشت میکنند. مطابق اظهارات این منبع، ۸۰ فیصد زمین‌هایی که ملکیت کوچی‌ها در بامیان بود تصاحب یا غصب گردیده است. اکثر این قوماندانان زمین‌ها را به عین ده‌اقلینی که این زمین‌ها را از کوچی‌ها به کرایه می‌گرفتند، به اجاره میدهند.^{۳۸}

انده هزاره‌هایی که با ایشان در مورد تصمیم آنها در رابطه به بیرون‌نگهداشتن کوچی‌ها مصاحبه صورت گرفته، تذکر داده‌اند که این موضوع مربوط به این اتهام می‌شود که کوچی‌ها ارتباط با سازمان‌های شورشی دارند. طبق گزارشات، بسیاری از هزاره‌ها هراس دارند که در صورت اجازه دادن به کوچی‌ها در داخل هزاره‌جات، این کوچی‌ها بی‌ثباتی‌ای را که نوار پشتون‌نشین را متأثر ساخته و تا حال هزاره‌جات از آن در امان بوده است، با خود به هزاره‌جات خواهند آورد.^{۳۹}

از جانب دیگر، کوچی‌ها می‌تربسند که اگر از هزاره‌جات صرف نظر کنند، بزودی آنان از سایر علفچرها در سراسر کشور نیز رانده خواهند شد، زیرا هر جمعیت کشاورز چنین فکر خواهد نمود که در صورت مواجه گردیدن با منابع غیر کافی، به چالش کشیدن کوچی‌ها یک گزینه ممکن خواهد بود.

ما با آنان جنگ میکنیم زیرا اگر ما این کار را انجام ندهیم و آنان به ما اجازه ندهند، فردا در شمال مردم به ما اجازه نخواهند داد و زمان دیگر مردم در جنوب نیز به ما اجازه نخواهند داد.^{۴۰}

۳۳ مصاحبه با کلان قریه گنداب، کجابه حصه ۲ ولسوالی بهسود، فبروری ۲۰۱۷.

۳۴ مصاحبه با کلان کوچی، قریه کاروانی، در منطقه سرچشمه ولایت میدان وردک، فبروری ۲۰۱۷.

۳۵ مصاحبه با کارمند بخش علفچر وزارت زراعت، ۲ فبروری ۲۰۱۷.

۳۶ با سه تن از ده‌نشینان هزاره در مالستان مصاحبه صورت گرفت و همه نظریات مشابه ارایه کردند.

۳۷ مصاحبه با عضو شورای کوچی‌های (پشتون) افغانستان، کابل، جون ۲۰۱۷؛ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، قبیله جلال خیل، ولایت میدان وردک، جون ۲۰۱۷؛ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، قبیله بهرام خیل، لوگر، جون ۲۰۱۷.

۳۸ مصاحبه با کلان قریه، ولسوالی پنجاب ولایت بامیان، جولای ۲۰۱۷.

۳۹ مصاحبه با کلان قریه، ولسوالی پنجاب ولایت بامیان، جولای ۲۰۱۷.

۴۰ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، حصه اول بهسود ولایت میدان وردک، نومبر ۲۰۱۶.

بزرگان جامعه هزاره بعضی اوقات میگویند که آنان تحت شرایط مشخص به کوچی ها اجازه خواهند داد، بطور مثال، در صورتیکه آنان مواشی شانرا توسط موتر های باربری انتقال دهند. استفاده از موتر های باربری برای انتقال حیوانات کار غیر معمول در میان کوچی ها نیست، ولی همه کوچی ها قادر به این نخواهند بود که به این منظور موتر های باربری را به کرایه بگیرند.^{۴۱}

۴.۲ مالستان

قضیه مالستان نسبت به قضیه بهسود تا اندازه ای بیشتر مشکل است که بررسی گردد. کوچی های ملاخیل ادعا دارند که از سال ۲۰۰۸ بدینسو آنان نتوانسته اند به علفچر های مالستان و ولسوالی های علیا مانند ناهور و جاغوری دسترسی پیدا کنند. به هر صورت، بزرگان محلی هزاره ادعا دارند که میان آنان و کوچی ها کدام منازعه ای وجود ندارد و بعد از سال ۲۰۰۱ کوچی ها تلاش نکرده اند تا به این ساحه دسترسی پیدا کنند.^{۴۲} کوچی ها ادعا دارند:

هنوز مردم هزاره جات با ما کدام مشکل ندارند؛ ما نزد آنان میرویم و آنان نزد ما میآیند و به ما میگویند "ما با شما کدام مشکل نداریم، این زورگویان هستند که حضور شما را نمیخواهند. آنان بر ما فشار وارد میکنند تا به شما اجازه ندهیم." مردم عام با ما کدام مشکل ندارند، این مردم قدرتمند و مافیا هستند که برای ما مشکل میسازند.^{۴۳}

جالب اینکه در مطابقت با آنچه در بخش بهسود در بالا در مورد هراس هزاره ها از بی ثبات سازی اشاره گردید، طبق منابع کوچی ها هزاره ها در اعطای دسترسی در مناطق شان میان کوچی ها از تبعیض کار میگریفتند. در حالیکه یکعده قبایل کوچی مانند ناصر، دولتزی و اسماعیل خیل اجازه داشتند تا به علفچرها برسند، قبیلۀ ملاخیل اجازه نداشتند، البته بر اساس اتهامات ارتباط داشتن آنها با طالبان و داعش. گرچه این ساحه از بهار ۲۰۱۷ به اینسو آرام بود، یک منبع ملاخیل ادعا کرد «اگر مشکل ما حل و فصل نگردد، ما آماده هستیم از هر نوع خشونت کار بگیریم.» این منبع تهدید کرد در صورتیکه گفتگو ها روی دسترسی کدام پیشرفت نداشته باشد، با شورشیان ارتباط خواهند گرفت.^{۴۴}

مانند بهسود، کوچی ها اصرار میورزند که آنان نیاز به دسترسی به علفچر های هزاره جات دارند تا علوفه برای رمه های بزرگ شان داشته باشند. یک منبع کوچی ها اظهار داشت: «اگر هزاره ها به ما اجازه ندهند، ما مجبور هستیم از خشونت کار بگیریم، زیرا ما کدام راه دیگری نداریم. در هزاره جات علوفه خوب میباشد.»^{۴۵}

حتی اگر هزاره هائیکه با آنان مصاحبه صورت گرفته از موجودیت منازعه با کوچی ها انکار میورزند، آنان این موضوع را با این استدلال توضیح میدهند که مسیر دسترسی مسدود شده است. بطور ساده، کوچی ها انسداد راه ها را به چالش نمیکشیدند. طبق اظهارات بزرگان هزاره ها، این واقعیت می تواند انسداد راه ها را توجیه کند که هیچگاهی چنین یک زنده گی افسانوی ای وجود نداشته که مردم هزاره خوشحال بوده باشند که کوچی ها از علفچر های هزاره جات استفاده کنند.^{۴۶}

۴.۳ بیرون از هزاره جات

در خارج از هزاره جات، مثال هائیکه جمعیت زراعت پیشه مانع دسترسی کوچی ها گردد کم است، زیرا مناطقی که دارای باشندگان متجانس زراعت پیشه که منافع مشترک داشته باشند تا کوچی ها را از ساحه دور نگهدارند، وجود ندارد. به هرصورت، ما در نمونه خود یک مثال دیگر از دهقایی را داریم که مانع دسترسی کوچی ها به علفچر ها میگردند و آن عبارت از ساحه کلام گذر در ولایت کندوز میباشد. درین ساحه ده نشینان خروتی، اکاخیل و اندری تلاش کرده اند تا کوچی های ازبیک را از رسیدن به علفچر هائیکه آنان تا سال ۲۰۱۳ از آن استفاده میکردند، محروم نمایند. اینجا نیز شیوه معمول توسل هر جانب به سیاسیون و افراد قدرتمند ازبیک و پشتون جهت حمایت و کمک تکرار گردیده است.^{۴۷} ده نشینان پشتون نیز از صدمه وارد کردن کوچی ها به حاصلات شان، ملوث کردن آب آشامیدنی شان و اسکان در آن جا شکایت کرده اند.^{۴۸}

۴۱ مصاحبه با کلان قریه کاروانی ای منطقه سرچشمه، قریه کاروانی، ولسوالی دایمرداد، فبروری ۲۰۱۷.
 ۴۲ مصاحبه با کلان قریه، قریه بخرا ولسوالی مالستان، مارچ ۲۰۱۷.
 ۴۳ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، قبیلۀ ملاخیل، اپریل ۲۰۱۷.
 ۴۴ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، قبیلۀ ملاخیل، ولایت غزنی، اپریل ۲۰۱۷.
 ۴۵ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، قبیلۀ سلیمان خیل، مارچ ۲۰۱۷.
 ۴۶ مصاحبه با کلان قریه، قریه دیدا کورا، مالستان، مارچ ۲۰۱۷.
 ۴۷ مصاحبه با کلان کوچی، قبیلۀ بیگ ازبیک در منطقه کلام گذر، اپریل ۲۰۱۷.
 ۴۸ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، قبیلۀ اندر، ولسوالی امام صاحب ولایت کندوز، اپریل ۲۰۱۷.

بعضی قضاایای دیگر همچون مانع شدن دسترسی کوچی‌ها توسط ده‌نشینان محصول جانبی منازعه میان کوچی‌ها و ده‌نشینان میباشد و ماهیت دیگری دارد، معمولاً منازعات روی تبدیل علفچر‌ها به زمین‌های زراعتی و رهايشی (پائین را ببینید). بعد از آنکه دیده شود که کوچی‌ها قصد دارند در یک منطقه خاص مسکن‌گزین شوند، ده‌نشینان در بعضی قضاایا مانع دسترسی آنان میگردند حتی آنانرا از درو کردن علفچه منع مینمایند. تیم تحقیق چنین منازعات را در خاک جبار، بسیار نزدیک به شهر کابل دریافت نموده بودند:

قبلاً، ما در منطقه چاروازی للمی کشت می‌کردیم ولی حالا کشت نمیکنیم که این وضع باعث خساره مالی ما گردیده است. علاوه بر این، ما تقریباً ۱۰۰ تن را تعیین نمودیم که این منطقه را کنترل نمایند و به کوچی‌ها اجازه ندهند تا درین منطقه بیایند. در نتیجه منازعه این مردم نیز کار کرده نمیتوانند. بعد ازین ما نمیخواهیم که به کوچی‌ها اجازه دهیم حتی اگر آنان بخواهند که حیوانات شان را برای چراندن درین جا بیاورند. آنان میخواهند ما را فریب دهند: اولتر از همه آنان میگویند که آنان فقط حیوانات خود را برای چراندن درینجا میآورند، ولی بعداً دعوا میکنند که این منطقه مربوط آنان است. اگر ما به آنان محلی را بدهیم آنان در آنجا خیمه میزنند و زمین را از ما تصاحب می‌کنند.^{۴۹}

فعالاً مشکل میان کوچی‌های قدرتمند و مردم خاک جبار حل و فصل گردیده است، چرا مردم خاک جبار به ما و به حیوانات ما اجازه نمیدهند؟ بنابراین ما گفته میتوانیم که در عقب این مردم مافیا و مردم قدرتمند وجود دارد. فعلاً حکومت نیز از آنان حمایت میکند، چرا آنان به کوچی‌ها اجازه نمیدهند؟ این دشت‌ها متعلق به آنان نیست، این دشت‌ها متعلق به حکومت است؟ این‌ها درین دشت‌ها شهرک ساخته و بیشتر از ۲۰۰۰۰ خانه در آن‌جا وجود دارد. این شهرک باعث ایجاد مشکلات میان ما و مردم خاک جبار میگردد؛ آنان میگویند که این مردم میخواهند چنین شهرکی در دشت چاروازی نیز بسازند. ما در چاروازی شهرک و خانه نمیسازیم، ما تنها حیوانات را برای چریدن اینجا میآوریم، این ظلم است که این مردم در حق کوچی‌ها میکنند زیرا این مردم با کوچی‌های متنفذ مشکل دارند و این مردم به هیچ کوچی اجازه نمیدهند.^{۵۰}

(کوچی متنفذ) کوچی آباد را تصرف کرده است و وی همچنان میخواست چاروازی خاک جبار را نیز تحت تصرف خود در آورد و بعد از آن مردم خاک جبار ما کوچی‌ها را از وارد شدن در آن منطقه متوقف ساختند. این مردم بر ما شک دارند که میخواهیم این منطقه را متصرف شویم، ولی این موضوع حقیقت ندارد. ما فقط میخواهیم حیوانات خود را به علفچر بیاوریم.^{۵۱}

در نتیجه منازعه میان جمعیتی از کوچی‌ها و باشنده‌گان محل در خوست، کوچی‌ها از دسترسی به علفچر محروم ساخته شده بودند.

مردم دولتری ما با مردم خوستی کدام منازعه نداشتند؛ کوچی‌های نیازی با مردم خوست مشکل داشتند. ولی خوستی‌ها به ما نیز اجازه ندادند تا حیوانات خویش را درین علفچر‌ها بچرانیم. هنگامیکه منازعه میان مردم نیازی و خوستی آغاز گردید، مردم از هر دو جانب کشته شدند. بعداً مردم خوستی به ما اجازه ندادند حیوانات خویش را به این علفچر‌ها در دیری بعد از ۲۰۰۳ ببریم. ما به مردم خوستی گفتیم که منازعه شان با کوچی‌های نیازی است، و اینکه ما فقط میخواهیم حیوانات خود را درین منطقه بچرانیم. در سال ۲۰۰۵ این مردم بر ما حمله کردند و مردم ما را هدف قرار دادند؛ از طرف ما یک تن کشته شد و دو تن دیگر مجروح گردید و آنان ۲۰۰ رأس حیوان را از ما دزدیدند. یک سال قبل منازعه ما با مردم خوستی حل گردید. قبلاً، اگر دولتری‌های ما هر جا مانند لکنند، چینو، شمل خوار، دیری و سایر مناطق میرفتند هیچ مشکل وجود نداشت، ولی هنگامیکه نیازی‌ها خواستند تا گندم، جواری و دیگر چیزها را درین ساحه کشت کنند و در آنجا خانه بسازند، منازعه صورت گرفت.^{۵۲}

یک مثال دیگری که ده‌نشینان مانع دسترسی کوچی‌ها گردیدند در ولایت فراه در قریه جات کوه دنک، قلعه غلام سخی، کاریزک و قلعه شورابک، بود که در آن‌جا ده‌نشینان الکوزی تلاش کردند مانع رسیدن کوچی‌های بلوچی به علفچر‌های محلی شوند.^{۵۳}

با آنهایی که مصاحبه صورت گرفته گزارش از واقعات محروم‌سازی از دسترسی به علفچر‌ها در موقعیت‌های مختلف داده اند، گرچه این سروری آن‌ساحات را تحت پوشش قرار نداده بود:

۴۹ مصاحبه با کلان قریه، قریه ملنگ، فیروزی ۲۰۱۷.

۵۰ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، قبیله اکبر خیل، مارچ ۲۰۱۷.

۵۱ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، قبیله بیر، ولسوالی ازه، لوگر، جنوری ۲۰۱۷.

۵۲ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، قبیله دولتری، دیری ولایت خوست، اپریل ۲۰۱۷.

۵۳ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، بلوچ، فراه، جون ۲۰۱۷.

به عین شکل، مردم سروبی به ما و به حیوانات ما در کوه ها اجازه نمیدهند. همچنان ما در ولایات شمالی با مشکلات زیاد مواجه هستیم؛ حیوانات ما کشته شدند و آنها از پذیرش مریضان ما در شفاخانه ها انکار ورزیدند. یک کوچی باید بتواند تذکره خویش را از هر جای بدست بیاورد، ولی در شمال به ما تذکره توزیع نمیکنند.^{۵۴}

ما تنها در ولایت فراه مشکلات نداریم؛ ولی در بسیاری از مناطق مانند ولایت میدان وردک، ولایت غزنی و در شمال افغانستان با مشکلات مواجه هستیم و حکومت افغانستان هم مشکلات ما را حل و فصل نمیکنند. به این دلیل ما باید از سایر سازمانها یعنی طالبان حمایت بدست آوریم.^{۵۵}

بطور خلاصه، چنین بنظر میرسد که ایجاد موانع در برابر دسترسی کوچی ها به علفچر بطور فزاینده یک استراتژی عام در میان جمعیت جایی میباشدو شاید هم از قضیه اصلی پهسود الهام گرفته باشد. آنچه کوچی هایی که استدلال مینمایند که صرف نظر کردن از علفچر های هزاره جات ممکن سایر مردم را تشویق نماید که مانع دسترسی آنها گردند، ممکن تا اندازه ای بخوبی مفهوم داشته باشد.

۴. ۴ کوچی ها مانع دسترسی سایر کوچی ها میگردند

یک قضیه خاص کوچی هائیکه در دسترسی شان به علفچر ها با محدودیت مواجه میگردند هنگامی میباشد که آنان از رسیدن به علفچر های هزاره جات محروم میگردند و مجبور میشوند تا مسیر شان را تغییر داده و در رقابت با سایر کوچی ها به علفچر ها داخل گردند. این قضیه علفچر هایی است که در نزدیکی مرکز ولایت فراه قرار دارد، جائیکه کوچی های بلوچ عادت داشتند که زمستان را در آنجا سپری نمایند و دفعتاً با رقابت کوچی های ناصر (پشتون) از ولایت زابل مواجه گردیدند. در سال ۲۰۰۷ ناصری ها مانع این تصمیم بلوچ ها گردیدند که رمه های شانرا به هزاره جات بیاورند؛ در حالیکه ناصری ها قادر نبودند که به هزاره جات دسترسی داشته باشند پس کوشش کردند مواشی شانرا به فراه بیاورند و این بار نوبت بلوچ ها بود که مانع دسترسی آنان گردند.^{۵۶}

یکی از بزرگان ناصر واقعات را چنین شرح نمود:

منازعه ما با بلوچ ها در سال ۲۰۱۵ هنگامی صورت گرفت که آنان ما را در دشت خرملوک متوقف کردند. آنان به ما اجازه ندادند که به آن مناطق برویم. ما به آنان گفتیم که ما نیز کوچی هستیم و شما هم کوچی هستید. شما باید حیوانات تانرا برای چراندن به این علفچر ها ببرید و ما هم این چنین خواهیم کرد. کوچی های بلوچ به ما گفتند که آنان یک توافقی با قبیله های نورزی و الکوزی کرده اند که در نتیجه آنان از این ساحه منحصراً استفاده میکنند و به ما اجازه نمیدهند. ما کوچی های ناصر به کوچی های بلوچ گفتیم که شما با نورزی ها توافق کرده اید که حیوانات تانرا به زمین های زراعتی آنها برید که در آنجا محصولات نباشد، ولی این توافق ناصر ها را از بردن مواشی شان در آن جا محروم می سازد. این زمین ها به آنان متعلق نیست. آنان ما را منع کرده اند و چند دفعه میان ما و آنان جنگ صورت گرفته است.^{۵۷}

در حالیکه کوچی های ناصر ادعا دارند که بلوچ ها از قاچاقبران و شورای طالبان درکوئته کمک دریافت میکنند، یک کوچی بلوچی پذیرفت که آنان در پی دریافت کمک از احزاب مختلف بودند ولی موفقیت زیاد نداشتند.^{۵۸}

اولتر از همه ما تلاش داریم که حکومت منازعه ما را حل و فصل نماید؛ در صورتیکه حکومت منازعه ما را حل نکرد بعداً ما مجبور هستیم تا به مردم محلی مراجعه نمائیم. اگر مردمان محلی منازعه ما را حل نکرد، بعداً درین صورت ما به طالبان خواهیم رفت تا منازعه ما را حل و فصل نمایند. در صورتیکه طالبان به ما کمک نکردند که منازعه ما را حل کنند بعداً ما به داعش خواهیم رفت تا با ما کمک کنند و منازعه ما را حل نمایند، زیرا درین روز ها داعش هم در افغانستان حضور دارد. اساساً، ما میخواهیم تا منازعه خود را حل و فصل نمائیم اگر هر فرد، گروپ، یا سازمان مشکل ما را حل و فصل نماید دیگر این امر برای ما اهمیت ندارد که کدام گروپ منازعه ما را حل و فصل مینماید.^{۵۹}

۵۴ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، قبیله اکبرخیل، مارچ ۲۰۱۷.

۵۵ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، قبیله ناصر، ولایت فراه، جون ۲۰۱۷.

۵۶ مصاحبه با کلان قبیله براهوی در ولایت فراه، جون ۲۰۱۷.

۵۷ مصاحبه با کلان کوچی، قبیله ناصر، ولایت فراه، جون ۲۰۱۷.

۵۸ مصاحبه با کلان قبیله براهوی در ولایت فراه، جون ۲۰۱۷. مصاحبه با کلان قبیله براهوی در ولایت فراه، جون ۲۰۱۷.

۵۹ مصاحبه با کلان قبیله براهوی در ولایت فراه، جون ۲۰۱۷.

يك بزرگ ناصر پذيرفت كه آنان تلاش كردند و حمايت قوماندانان حزب اسلامي، شوراي رسول طالبان و يكتن از قدرتمندان كوچي را بدست آوردند.^{۶۰}

منازعه كوچي در مقابل كوچي حاكي از اين است كه كمبودي منابع در واقع يك عامل عمده منازعه ميباشد، البته برخلاف هر گونه تفاوت ميان سبك هاي متفاوت زندگي. تحرك به جاي خود، جمعيت مختلف كوچي ها متوسل به كسب حمايت خارجي از احزاب، گروه هاي شورشي و متنفذين ميشوند كه بسيار زياد شباهت به موضوعاتي دارد كه قبل در مورد منازعه جايي- كوچي توضيح گرديد.

۶۰ مصاحبه با كلان كوچي (پشتون)، قبيله ناصر، ولايت فراه، جون ۲۰۱۷.

۵. انواع منازعه: تجاوز کردن از سرحدات

در وزارت زراعت، آبیاری و مالداري، مقامات حكومتی قانون علفچر سال ۱۹۷۱ را منحيث اصل فعاليت خویش تلقی میکنند. مطابق اظهارات يك مقام رسمي، «مطابق قانون علفچر ها، علفچر ها متعلق به دولت است و هر شهروند افغانستان كه حيوانات نگهداری کند میتواند ازین علفچر ها استفاده کند.»^{۶۱} در اصول، قانون علفچر افغانستان همیشه میان علفچر های شخصی، محله و عامه فرق قایل گردیده است، و دسترسی کوچی ها به علفچر های عامه محدود گردیده است. در عمل، فرق میان انواع علفچر ها مبهم است: محدوده علفچر های متعلق به هر قریه از طریق فاصله تعیین میگردد به این اساس كه صدای چیغ كنده در قریه باید در آن فاصله شنیده شده بتواند. این تعریف نادرست و عدم علامه گذاری بین زمین های زراعتی، علفچر های قریه و علفچر های عامه بروز منازعات را آسان میسازد.^{۶۲} قانون علفچر های سال ۱۹۷۰ نه فقط مبهم بود، بلکه آنقدر ضعیف تطبیق گردید كه بسیاری از ده نشینان حتی نمیدانستند كه آیا این قانون به ایشان حق استفاده از علفچر های مخصوص قریه شان را داده است یا خیر:

در رابطه به علفچر ها، مردم ما موافقه نمیکنند كه علفچرهای شان را به کوچی ها بدهند. آنان میگویند كه علفچر ها محدوده و مرز جلو قریه های شان میباشد و حكومت حق ندارد آنها را به کسی بدهد. مطابق قانون جعفری و حنفی هر قریه دارای سرحدات و حیاط میباشد و این محدوده ها و حیاط عبارت از علفچر ها میباشد.^{۶۳}

حتی اگر آگاهی از قانون هم وجود داشته باشد، توافقی میان ده نشینان و کوچی ها روی اینکه این موضوع چگونه تفسیر گردد وجود ندارد:

يك فرق میان علفچر شخصی و علفچر عامه وجود دارد. از علفچر عامه هر کسی میتواند بهره بگیرد خواه این کوچی های پشتون باشد، کوچی های ازبیک باشد، کوچی های تاجك باشد و یا سایر کوچی ها، ولی از علفچر های شخصی هیچ کسی نمیتواند بهره بگیرد. بنابراین، این علفچر شخصی است؛ آنان در آن جا چیزی كشت نمیکنند و آنان آن ساحه را برای علفچر گذاشته اند. نه اینطور نیست، هیچ توافقی با دهاقین روی این علفچر ها صورت نگرفته است.^{۶۴}

گفتگو روی يك تعریف دقیق از چراه گاه های قریه و عامه از سالها بدینسو ادامه دارد؛ مسوده قانون جدید علفچر های سال های ۲۰۱۱ - ۱۲ طبق گزارشات چیزی در مورد علفچر های قریه متذكر نشده است. این انكشاف به نظر میرسد نتیجه لابی کوچی ها با مقامات دولتی باشد.^{۶۵} نسخه موجود قانون علفچر های سال ۲۰۱۷ بار دیگر علفچر های قریه را معرفی میکند، كه طول آن توسط مقررات ویژه (امكان دارد تا سه كيلومتر از قریه) تعیین گردد.^{۶۶}

گرچه عدم موجودیت علامه گذاری و تعیین ضعیف سرحد میان علفچر های عامه و قریه هیچگاهی منحيث يك منبع عمده منازعه معرفی نگردیده است، ولی این موضوع به مثابه يك منبع دایمی شكاف میان کوچی ها و دهاقین بوده است.^{۶۷} عدم حضور پولیس در مناطق روستایی منجر به حادثات نسبتا كوچك میگردد كه به سرعت به خشونت مبدل میگردد. باری شخصی كه با وی مصاحبه صورت گرفت از حادثه ای حكایت كرد و گفت كه در سال ۲۰۰۳ کوچی ها پسر یكتن از زمینداران را كشتند كه شكایت داشت کوچی ها در زمین هایشان گندم می كازند. کوچی ها ادعا میكردند كه این زمین ملكیت خود شان بوده و آنها در گذشته خریداری کرده بودند. بعدا، دگروال بر دهكده کوچی ها یورش برد و هفت تن آنها را كشت. دشمنی خونینی كه به این ترتیب آغاز گردید هنوز هم ادامه دارد و در مقابل همه تلاش هایی كه از جانب بزرگان هردو طرف برای پایان دادن به این منازعه صورت گرفته است مقاومت میکنند، حتی اگر بزرگان موافقه نمودند كه کوچی ها ممكن از زمین های اشغالی بیرون شوند.^{۶۸} منازعه گسترش یافت زیرا ده نشینان محلی آغاز به حمله بر همه کوچی ها بطور یكسان نمودند نه فقط بر کوچی های نیازی.^{۶۹}

اساس دیگر منازعه كه ناشی از تطبیق ضعیف و مبهم قانون و مقررات میباشد موضوع زمانبندی مهاجرت کوچی ها میباشد:

- ۶۱ مصاحبه با كارمند بخش علفچرها.
- ۶۲ شریف و صفر، " اداره و مدیریت زمین ".
- ۶۳ مصاحبه با عضو کمیسیون حل و فصل منازعات میان کوچی و کمیسیون هزاره، دسامبر ۲۰۱۶.
- ۶۴ مصاحبه با كلان قبیله بیگ ازبیک، ساحه كلام گنر، اپریل ۲۰۱۷.
- ۶۵ لیز ایدین ویلی، « جنگ بر سر علفچر ها: جنگ پنهان در افغانستان،» روی دیز موندیز موصولنز ایت لا میدیترانی: ۱۳۳، جون ۲۰۱۳.
- ۶۶ مصاحبه با كارمند اراضی، سپتمبر ۲۰۱۷.
- ۶۷ مصاحبه با كلان قبیله الكوزی، ساحه كوه دهنه، جون ۲۰۱۷.
- ۶۸ مصاحبه با كلان قریه قبیله پاری در ساحه شمل دیری ولایت خوست، اپریل ۲۰۱۷. مصاحبه با كلان قبیله تیرون در دیری ولایت خوست، ۶ اپریل ۲۰۱۷.
- ۶۹ مصاحبه با كلان کوچی (پشتون) از قبیله دولتری در دیری ولایت خوست، ۹ اپریل ۲۰۱۷؛ مصاحبه با كلان کوچی (پشتون) از قبیله نیازی در دیری ولایت خوست، ۸ اپریل ۲۰۱۷.

آنان باید در علفچر ها حیوانات شانرا بچرانند و بعداً به زمین های ما نیز بیایند، البته بعد از آنکه ما درو کردیم. برخلاف، اگر کوچی ها به زمین های ما زمانی بیایند که ما درو میکنیم، یقیناً که یک منازعه صورت خواهد گرفت و شاید ما از هر نوع نیرو استفاده کنیم.^{۷۰}

یکعده دهاقین ادعا میکنند که مهاجرت کوچی ها نسبت به سالهای قبل از جنگ، بسیار غیر منظم گردیده که این امر منجر به وارد گردیدن صدمهٔ بیشتر به محصولات و علفچر های قریه میگردد:

برای ولسوالی ما زمانبندی مهاجرت کوچی ها بدین ترتیب بود که کوچی ها همه ساله در اخیر آپریل میآمدند، اولاً آنان مجبور بودند که باید منتظر می ماندند که دهاقین هزاره در هر ولسوالی علفچه را از تپه ها و کوه ها قطع و جمع میکردند، آنرا برای زمستان ذخیره میکردند، بعداً کوچی ها میتوانستند با حیوانات شان آمده و حیوانات شان بطور آزاد در تپه ها و کوه ها میچربند. برنامه طوری بود که کوچی ها اولاً در ولسوالی بهسود میآمدند و برای ۱۰ - ۱۵ روز در آنجا منتظر میماندند و از علفچر های باقی مانده در کوه ها استفاده میکردند تا آنکه دهاقین در ولسوالی ناهور درو شان را تمام میکردند، و علفچه را برای زمستان ذخیره میکردند. بعداً کوچی ها وارد ولسوالی ناهور میگرددند و برای ۱۰ - ۱۵ روز در آنجا میماندند و از علفچه های متباقی در کوه ها و تپه استفاده میکردند تا آنکه دهاقین مالستان درو و قطع کردن علفچه را به پایان میرساندند و به کوچی ها اجازه میدادند که حیوانات شان را به آنجا ببرند.^{۷۱}

لااقل بعضی از مقامات حکومتی نیز از این نظریه حمایت میکردند.

... ما آمر اراضی به سطح ولایت و یک مدیر به سطح ولسولی داریم که با حقوق هر یک آشنا هستند؛ وی علفچر ها، جنگلات، زمین های زراعتی را رهبری میکند تا هیچ کسی در حقوق فرد دیگری مداخله نکند. ما یک سرخیل (کلان یک گروه از کوچی ها) برای هر گروه یا قبیله داریم. سرخیل مسؤلیت رهبری گروه را در رابطه به مهاجرت دارد و این سرخیل ها را جمعیت کوچی ها انتخاب میکنند. بعد از آنکه این سرخیل نشانه انگشتان و کاپی تذکره های لااقل ۲۰۰ فامیل از قبیله شان را آورد، ما اسم وی را منحیث سرخیل آن گروه و قبیله ثبت مینمایم و به وی یک کارت هویت و مهر میدهیم. وی شخص ارتباطی یا ارتباط دهند میان حکومت و کوچی ها بوده و مسؤل گروه یا قبیله در رابطه به مهاجرت و سایر امور میباشد. ما در مورد هر قضیه فقط با وی در تماس میشویم یا وی با ما یا در صورت ضرورت با ریاست ولایتی ما تماس میگردد. بنابراین، این نشان میدهد که طرز العمل ها و زمانبندی های واضح برای مهاجرت کوچی ها از یک محل به محل دیگر وجود دارد.^{۷۲}

همگان با این موضوع موافق نیستند که چنین یک زمانبندی بطور مؤثر قبل از جنگ وجود داشته بوده باشد.^{۷۳} بهر صورت، حتی بعضی از هزاره ها میگویند که این زمانبندی هیچگاهی تطبیق نگردیده بود.^{۷۴}

قبل از انقلاب، یعقوب خان والی ولایت کابل بود و به کوچی ها اجازه دسترسی به علفچرهای مرکزی افغانستان (اکتار مناطق هزاره) را مطابق زمانبندی یا تقسیم اوقات داده بود. به این معنا که تا آنکه ده نشینان در مسیر کوچی ها علفچه های شان را درو نمی کردند، کوچی ها باید در آن قریه نمی آمدند و از علف باقیمانده برای حیوانات شان استفاده نمیکردند. یعنی اول این حق ما بود که علفچه را درو کنیم و آنرا در کاهدان برای حیوانات خویش در زمستان آینده نگهداری کنیم و علفچه های باقیمانده در ساحه برای حیوانات کوچی ها بودند. ولی بدبختانه، کوچی ها قبل از وقت میآمدند و از علفچه های ما قبل از آنکه ما آنرا قطع کنیم استفاده میکردند. زمانیکه ما بر آنها صدا میکردیم که از علفچه استفاده نکنند زیرا ما هنوز آنرا درو نکرده ایم، آنان به ما گوش نمیدادند و در عوض سلاح شان را به ما نشان میدادند.^{۷۵}

سطح تطبیق واقعی تقسیم اوقات ممکن از موقعیتی تا موقعیتی فرق میکرد.

۷۰ مصاحبه با کلان قریه، قبیلهٔ نورزی، قریهٔ ننگ آب ولایت فراه، جون ۲۰۱۷.

۷۱ مصاحبه با کلان هزاره از قریهٔ بخارای ولسوالی مالستان، ۱۴ مارچ ۲۰۱۷.

۷۲ مصاحبه با دکتر عصمت الله خوستی، مشاور رئیس عمومی ریاست عمومی مستقل کوچی ها (پشتون)، اکتوبر ۲۰۱۷.

۷۳ مصاحبه با عضو کمیسیون کوچی (پشتون)، کابل ۱ جون ۲۰۱۷؛ مصاحبه با شاه محمود میخیل، یو اس ای پی، کابل، ۲۰ سپتمبر ۲۰۱۷.

۷۴ مصاحبه با کلان قریه، ولسوالی پنجاب ولایت بامیان، جولای ۲۰۱۷.

۷۵ مصاحبه با کلان قریه، قریهٔ بخارا، ولسوالی مالستان، مارچ ۲۰۱۷.

۶. انواع منازعه: غصب زمین و اشغال غیر قانونی زمین

۶.۱ چه کسی عامل شر و فساد است؟

با در نظر داشت نمونه منحل کل، عامل دیگر منازعه بین کوچی و جایی که بسیار عام است غصب (تصاحب زمین دولتی بخاطر کاروبار) و اشغال (تصاحب زمین دولتی بخاطر استفاده شخصی) زمین است. حکایاتی را که ده نشینان در جریان مطالعه قضیه ده سبز، خاک جبار، از ره خوست ارائه کرده اند همیشه بر میگردد به دوران قبل از جنگ، هنگامیکه کوچی ها فقط رمله های شان را به علفچر های عامه در کوه ها میبردند و به کار های ده نشینان مداخله نمیکردند. بعد از ۲۰۰۱ اوضاع تغییر کرد. طبق اظهارات یکتن از بزرگان جمعیت جایی در ده سبز:

قبلاً، کوچی ها این جا برای یک دوره محدود میآمدند و حیوانات را برای چراندن اینجا میآوردند. بعداً آنان جانب ولایات شمال میرفتند، ولی فعلاً کوچی ها زمین ها و دارایی های ما را اشغال میکنند. آنان بر زمین های ما خانه میسازند، زیرا این زمین ها نزدیک کابل میباشند.^{۷۶}

قصه مشابه را دهاقین در خاک جبار نیز نموده اند:

قبلاً کوچی ها درین مناطق فقط خیمه میزدند و حیوانات را برای چراندن میآوردند، ولی حالا کوچی ها اینجا میآیند و میخواستند که زمین های ما را تصرف کنند و در مناطق ما خانه آباد کنند؛ بعداً منازعه صورت گرفت.^{۷۷}

از جانب دیگر کوچی ها از این انکار میکنند که زمین هایی که آنها میخواهند آنجا مسکن گزین شوند متعلق به ده نشینان میباشد:

این زمین های اجداد ما میباشد، آنان ادعا میکنند که این زمین ها متعلق به آنها میباشند. ما به آنان اجازه نمیدهیم که این زمین ها را از ما بگیرند. آنان میگویند کوچی ها باید در کوه ها زنده گی کنند نه در این مناطق مانند شهرها. آنان به خانه ها، خیمه ها و سایر اشیای ما صدمه وارد میکنند.^{۷۸}

در واقعیت امر آنچه که صورت میگردانست که در ده سبز، حد اقل هدف هردو یعنی باشنده گان محل و کوچی ها کسب کنترل بر بخش های علفچر های سابقه و ختم رقابت برای تصاحب آن میباشد:

منازعه ما با تاجک ها شش سال قبل آغاز گردید. تاجک ها نمیخواهند که ما اینجا زنده گی کنیم. آنان به ما میگویند که اینجا ساحه ما نیست، حکومت به ما در باریک آب زمین داده پس ما باید در آنجا زنده گی کنیم. ولی ما به ایشان توجه نمیکنیم زیرا این ساحه علفچر ما است. حالا قیمت های زمین نیز بسیار بلند است، بناءً آنان سایر مناطق را تصرف کرده اند و بر آنها شهرک ها ساخته اند. حالا دیگر مناطق پر گردیده است و آنان همچنان میخواهند تا علفچر ما را نیز تصرف نمایند. این دلیل آغاز منازعه و وقوع درگیری میان طرفین میباشد.^{۷۹}

بنظر میرسد که بعضی گروپ های کوچی مصمم اند کنترل بسیاری از علفچر های سابقه شان را بدست آورند تا در آنجا مسکن گزین شوند، طوریکه یکی از کوچی ها با مصاحبه کننده این موضوع را پذیرفته است:

کوچی های ما در بسیاری از ساحات مشکل دارند، اولتر از همه هنگامیکه ما این ساحه کوچی آباد را تصرف میگردیم جائیکه ما با بتخاکی ها جنگیدیم، این ساحه علفچر ما بود و فعلاً ما در این ساحه شهرک ساخته ایم. ما همچنان با مردم قریه چنار جنگیدیم، به عین شکل که ما با مردم خاک جبار در ساحه چاروازی خاک جبار جنگیدیم. ما همچنان با مردم گوسفند دره نیز منازعه داریم، زیرا اینها مناطق علفچر های ما میباشند و اجداد ما اینجا میآمدند. این منازعات در سال ۲۰۰۷ با بتخاکی ها هنگامی آغاز گردید که ما درین مناطق خانه آباد میگردیم. در سال ۲۰۰۹ منازعه ما با قریه چنار آغاز گردید. ما میخواستیم که آن مناطق را نیز تصرف نماییم. در سال ۲۰۱۳ منازعه ما با مردم گوسفند دره و ملنگی آغاز گردید. در سال ۲۰۱۵ ما یک منازعه با مردم خاک جبار در چاروازی داشتیم زیرا این مناطق از اجداد ما میباشند. در بعضی مناطق منازعات ما خاتمه پیدا کرده است و در بعضی مناطق منازعه ما هنوز دوام دارد. این دشت های اجداد ما میباشند.^{۸۰}

۷۶ مصاحبه با کلان قریه، ده سبز ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷.

۷۷ مصاحبه با کلان قریه چکری، ولسوالی خاک جبار ولایت کابل، فبروری ۲۰۱۷.

۷۸ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، قبیله تره خیل، ولسوالی ده سبز ولایت کابل، ۱۳ جنوری، ۲۰۱۷.

۷۹ مصاحبه با کلان کوچی، قبیله کوچی (پشتون) تفر، ولسوالی ده سبز ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷.

۸۰ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، کوچی آباد بت خاک، کابل، مارچ ۲۰۱۷.

هر دو جانب یکدیگر را متهم میکنند که از طرف بعضی از مافیای افغانستان و بعضی اوقات هم از سوی یک گروه و یا گروه دیگر شورش حمایت میشوند.^{۸۱}

منازعه ما با کوچی ها هنگامی آغاز گردید که آنان تصمیم گرفتند مناطق و مزارع ما را تصرف نمایند؛ آنان همچنان مافیا را در عقب خود داشتند، طوریکه آنان هنگام تصرف بتخاک توسط مافیا حمایت میگرددند. آنان میخواستند تا ده سبز را نیز تصرف نمایند بنابراین ما آنانرا متوقف ساختیم. این دلیل آغاز منازعه ما با کوچی ها بود.^{۸۲}

قبیله تره خیل ما را تشویق میکند که با مردم مخالف جنگ نمائیم. ولی در عقب گروه مخالف مردمان قدرتمند، مافیا و قوماندانان وجود دارند.^{۸۳}

مردمان مشخص میخواستند که این ساحات را بفروشند طوریکه آنان پلچرخ را فروختند. بعداً منازعه ما با ایشان آغاز گردید و ما آنانرا متوقف ساختیم. در نتیجه این منازعه کدام چیزی واقع نشد، فقط ما مردم خود را مسلح کردیم.^{۸۴}

در ساحه دیری (خوست)، ده نشینان و کوچی ها در اوایل سال ۲۰۰۳ جنگ را آغاز کردند. ده نشینان در برابر تلاش های کوچی ها که تصمیم مسکن گزین شدن در ساحه را داشتند، مقاومت کردند:

کوچی ها یک مقدار کم زمین را در زمان ظاهر شاه و داود خان در ساحه دیری خریده بودند، بعداً آنان با حیوانات شان میآمدند و حیوانات را در علفچر ها میچراندند و سپس به پاکستان میرفتند. آنان در زمان طالبان پول دریافتند و در مناطق شان منازل ساختند و سایر نیازی ها را از نگرهار، پکتیا و دیگر مناطق با خود آوردند. آنان بر زمین های ما حمله کردند و در زمین های زراعتی ما حیوانات شان را آوردند. ما به آنان گفتیم که حیوانات شان را در آنجا نیاورند، ولی آنان این پیشنهاد را قبول نکردند. آنان شروع به آباد کردن منازل در ساحات ما کردند. ما مانع آنان شدیم و به ایشان گفتیم که کار ساختمانی را درین جا نباید شروع کنند و چیزی کشت هم نکنند. بعداً کوچی ها یکتن از ما را با چاقو زدند و وی را شدیداً مجروح کردند. بعد از آن درگیری آغاز گردید. یک چند نفر توسط ایشان کشته شدند. کوچی ها با قبیله صبری نیز مشکلات دارند و در نتیجه درگیری بیشتر از ۶۰ تن از هر دو طرف کشته و زخمی شدند.^{۸۵}

قبلاً کوچی ها در ساحات خودشان کار میکردند، ولی فعلاً آنان ادعای ۵۰-۱۰۰ هکتار زمین دیگر را دارند و از سرک عبور کرده به این جانب دیگر سرک آمده اند. بنابراین فامیل کرنیل از قبیله پیری آنانرا متوقف ساختند ولی کوچی ها مقاومت کردند و گفتند که این زمین های خود ما میباشد و این علفچر های ما است و ما میخواهیم که اینجا گندم کشت کنیم. اما فامیل کرنیل خوستی به آنان اجازه ندادند، بنابراین درگیری آغاز گردید.^{۸۶}

کوچی های نیازی مجبور بودند که خانه و زمین های خویش را ترک کنند، تا آنکه بعضی ایشان در سال ۲۰۱۵ دوباره بازگشتند. آنان موافقه کردند که زمین و خانه ها را به یک نرخ مناسب به قبیله همسایه شان منگل واگذارند.^{۸۷}

زمانیکه جایی ها و کوچی ها یکدیگر را منسوب به شرارت مینمایند، اکثراً سعی مینمایند که عین کار را انجام دهند: یک بخش علفچر ها برای انکشاف زراعتی یا شهر مناسب است. زیرا برنامه های حکومت جهت مهیا ساختن زمین برای انکشاف بسیار ناچیز است، محلاتی که زیر فشار استند گزینه های بسیار اندکی دارند و بنابراین دست به کار های غیر قانونی میزنند و یا با غاصبین زمین همکاری مینمایند. درین جریان، فاصله و درز با سایر مردمی ایجاد گردیده است که در هیچ برنامه غصب یا اشغال زمین دخیل نیستند ولی به ساده گی مشاهده میکنند که علفچر هایشان ناپدید میگردد.

یکتن از نماینده گان کوچی ها نقشی را که کوچی های متنفذ همراه با سایر منتفذین در قسمت غصب زمین بازی نموده اند پذیرفت. وی در تاکید این امر اصرار ورزید که اکثراً کوچی ها قربانیان کوچی های قدرتمند هستند، زیرا آنان دسترسی به علفچر ها را از دست میدهند.^{۸۸}

۸۱ مصاحبه با کلان قریه، قریه چکری ولسوالی خاک جبار، ولایت کابل، فبروری ۲۰۱۷؛ مصاحبه با کلان قریه، قریه ملنگ، فبروری ۲۰۱۷.

۸۲ مصاحبه با کلان قریه، منطقه خواجه چشت، ولسوالی ده سبز ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷.

۸۳ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، قبیله بابکر خیل، ولسوالی ده سبز ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷.

۸۴ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، محله باغگی، ولسوالی خاک جبار کابل، مارچ ۲۰۱۷.

۸۵ مصاحبه با کلان قریه، قبیله تیرون، خوست، دیری، اپریل ۲۰۱۷.

۸۶ مصاحبه با کلان قریه، قبیله پیری، ساحه شمل مربوط دیری ولایت خوست، اپریل ۲۰۱۷.

۸۷ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، قبیله نیازی، دیری ولایت خوست، اپریل ۲۰۱۷؛ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، قبیله نیازی، دیری ولایت خوست، اپریل ۲۰۱۷.

۸۸ مصاحبه با حاجی خان وزیر، رئیس شورای خمارخیل، ده سبز و قره باغ، پوز خروتی باریک آب، اکتوبر ۲۰۱۷.

۶. ۲ اشغال زمین یا غصب زمین؟

هنگامیکه هردو یعنی ده نشینان و کوچی ها تحت فشار قرار گیرند، پس میپذیرند که از احزاب بیرونی، بشمول مردمان قدرتمند، سیاسیون کابل، و شورا های قومی^{۸۹} و محلی درخواست حمایت میکنند. یک منبع کوچی ها پذیرفت که آنان از طالبان سلاح دریافت کرده اند:

تشکر از طالبان، آنان کوچی های مسلح اند، هرکس از کوچی ها بهره برداری میکرد و حالا کوچی ها میتوانند از خود دفاع کنند. طالبان با ما در قسمت اسلحه و سایر چیزها کمک کردند و ما از آنان کمک بیشتر میخواهیم. اگر حکومت به ما گوش ندهد ما راه دیگر نداریم، ممکن از طالبان حمایت بدست آوریم.^{۹۰}

در قضیه دیری نیز این اتهامات که افراد قدرتمند از جمعیت رقیب حمایت میکنند زیاد است.^{۹۱} طبق اظهارات یکتن از بزرگان مردم زراعت پیشه، سراج الدین حقانی به ده نشینان یک مکتوب فرستاده و از آنان خواسته بود که به کوچی ها اجازه بدهند، بخصوص تنها نیازی ها را.^{۹۲}

این حقیقت که مردم درگیر در منازعه ممکن حمایت بیرونی را دریافت کنند نمیتواند به شکل اتوماتیک به این معنی باشد که حمایت کننده گان خارجی محرک این منازعه میباشد. بخصوص در قضایایی که در مناطق اطراف شهر های بزرگ رخ میدهند، به هرصورت، اتهامات بطور دقیق چنین است که غاصبین زمین از مردم منحیث «لشکر» شان استفاده مینمایند که زمین را برای کاروبار و منفعت خودشان تصرف کنند. بطور آشکار نقش غاصبین زمین مستحق مطالعه بیشتر میباشد. بخاطریکه نه تنها تأثیر آنانرا بر درگیری ها بررسی نمائیم، بلکه همچنان به این منظور که آنان چگونه ساختار جوامع کوچی را دوباره شکل داده اند (در پائین عوامل اساسی را نیز ببینید).

۶. ۳ کوچی های جایی شده با کوچی هائیکه میخواهند جایی شوند فرق دارد

در ازره (لوگر) و دشت سرخاب کشمکش بین کوچی ها و کوچی های سابقه که قبلاً ازین علفچر استفاده میکردند و در آنجا مسکن گزین شدند صورت گرفته است:

منازعه ما با کوچی ها سه سال قبل در ساحه «یاد خواب شاهانه» آغاز گردید ساحه ای که کلان کوچی ها میخواهند آنرا تصرف کرده و در آنجا منازل مسکونی بسازد. ما به آنان اجازه ندادیم. قبلاً، آنان حیوانات را برای چراندن درین جا میآوردند و بعداً به ولایات شمالی میرفتند، ولی سه سال قبل ما دیدیم که آنان شروع به ساختن خانه درین جا کردند و بعداً نزاع میان ما و ایشان آغاز گردید. آنان قبیله های نعیم خیل، بابر و سلطان خیل هستند. آنان از مناطق مختلف آمدند و میخواهند ساحات زراعتی مایان را تصرف نمایند و ما اسناد قانونی همه این ساحات را بدست داریم. این منازعه در سال ۲۰۱۳ آغاز گردید و هنوز هم ادامه دارد؛ این منازعه تا حال حل و فصل نگردیده است.^{۹۳}

چهار طایفه کوچی چندین سال قبل درین ساحه مسکن گزین گردیده و میان خود به توافق رسیده اند که چگونه علفچر ها را میان خود شریک سازند و آنها را به قریه جات و زمین های زراعتی تبدیل کنند:

این ساحه بیشتر از ۲۰۰۰ هکتار زمین میباشد و همه قریه جات و قبیله ها مانند عیسی خیل، عبدالرحیم زی، افضل خیل و ستانکزی در آن حصه دارند. همه این قبیله ها درین زمین حقوق دارند. طوریکه این زمین علفچر کوچی ها میباشد، این فعلاً علفچر ماست زیرا قبلاً ما هم کوچی بودیم و ما حیوانات را در آنجا انتقال میدادیم. ولی فعلاً ما زندگی به شیوه کوچی را متوقف ساخته ایم.^{۹۴}

۸۹ مصاحبه با کلان قریه، ده سبز ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷؛ مصاحبه با کلان ساحه قریه خوجاب چشت، ولسوالی ده سبز ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷؛ مصاحبه با کلان قریه، قریه پای منار ولسوالی ده سبز ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷؛ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، قبیله تره خیل، ولسوالی ده سبز ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷؛ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، قبیله تفر، ولسوالی ده سبز ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷؛ مصاحبه با کلان قریه، محله باغی، ولسوالی خاک جبار کابل، مارچ ۲۰۱۷؛ مصاحبه با کلان کوچی، قبیله اکبرخیل، مارچ ۲۰۱۷.

۹۰ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، قبیله اکبرخیل، مارچ ۲۰۱۷.

۹۱ مصاحبه با کلان قبیله مرک خیل، دیری ولایت خوست، اپریل ۲۰۱۷.

۹۲ مصاحبه با کلان قریه، قبیله تیرون، ولایت خوست (دیری)، اپریل ۲۰۱۷.

۹۳ مصاحبه با کلان قریه، منطقه الیاس خان، ولایت لوگر، دسامبر ۲۰۱۶.

۹۴ مصاحبه با کلان قریه، محله عیسی خیل در قریه پل قندهار، دسامبر ۲۰۱۶.

هنگامیکه جمعیت کوچی‌ها مانند بابر، سلطان خیل و سلام خیل کوشش کردند که در عین ساحه مسکن گزین شوند، جمعیت جایی شده ی کوچی‌ها تصمیم گرفتند آنانرا ازین ساحه دور نگهدارند:^{۹۵}

ما به کوچی‌ها اجازه نمیدهیم که در زمین‌های ما حیوانات خود را بچرانند یا بر آن‌ها خانه آباد کنند زیرا ما میخواهیم این زمین را برای کشت آماده سازیم. ما میخواهیم درین دشت‌ها واتر پمپ نصب کنیم و بعضی چیزها بکاریم، زیرا تعداد مردم ما روز بروز زیاد میشود. ما همچنان میخواهیم درین مناطق خانه بسازیم. ما نمیخواهیم دیگر به کوچی‌ها اجازه بدهیم. ضرور نیست که این مناطق برای همیشه علفچر باشد تا کوچی‌ها در آنجا زنده گی کنند. منازعه مردم ما با کوچی‌های بابر میباشد. این کوچی‌ها اینجا آمدند و بر زمین‌های ما خیمه زدند و زمین‌های ما را تصرف کردند و ادعا کردند که این زمین متعلق به آنان میباشد. کوچی‌های سلام خیل از قریه رود ولایت پکتیا آمدند. آنان نیز زمین‌های ما را تصرف کردند و میگویند که اجداد شما این زمین‌ها را بر ما فروخته بودند. این منازعات دونیم سال قبل آغاز گردید. زمین‌های ما زمین‌های خوبی‌اند. این ساحه شمال ملایم و عادی دارد، و ساحه بسیار هموار است. این یک ساحه بسیار خوب برای حیوانات‌شان میباشد، زیرا درین جا علف زیاد است. همچنان این ساحه به شهر هم نزدیک میباشد.^{۹۶}

برخلاف کوچی‌ها شکایت کردند که سایر جمعیت‌های کوچی که جایی شده‌اند دسترسی به علفچرهای سنتی‌شان را از دست داده‌اند. توافقی که میان چهار طایفه کوچی‌ها روی جایی شدن درین علفچر‌ها صورت گرفته با سایر طایفه‌های کوچی‌های آن گفتگو نشده بود. منازعه به شکل تدریجی میان سالهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۴ بیشتر گردید.^{۹۷} کوچی‌ها ازینکه در بیرون مانده‌اند شکایت میکنند:

ما با ده نشینان در ساحه خلیل آباد، نزدیک کلنگار پل علم ولایت لوگر منازعه داریم. منازعه ما با قبیله ستانکزی است و آنان مناطق علفچر ما را در آنجا تصرف کرده‌اند. منازعه میان ما و آنان سه سال قبل آغاز گردید و هنوز هم پایان نیافته است آنان میخواهند درین جا شهرک بسازند و علفچرهای ما را تصرف کنند ولی ما به آنان اجازه نخواهیم داد.^{۹۸}

مخالفت میان جمعیت جایی شده و سایر مردمیکه میخواهند در عین ساحه جایی شوند زمینه را برای بروز منازعه مساعد ساخته و این وضعیت ناگزیر کار ده‌هاقین را مختل نموده است:

طی سالهای اخیر تغییرات زیادی در زمین‌ها و علفچر‌هاییکه ما روی آن با کوچی‌ها منازعه داریم آمده است. یعنی در دشت پاده خواب شاهانه ما چیزهای بسیار زیادی کاشته ایم و در آنجا زمین‌های زراعتی بسیار زیاد وجود دارد. ما در گذشته گندم و سایر چیزها کشت میکردیم ولی از سه سال بدینسو همه این کارها به اثر خشونت‌ها متوقف گردیده است. همچنان تعداد زیاد خانه‌ها در آنجا آباد گردیده و زمین‌های زراعتی ما به خانه‌ها و منازل تبدیل شده‌اند.^{۹۹}

مانند همه قضایای منازعه که تا بحال بازنگری شده است، حتی در ازره، جمعیت‌های رقیب خواهان کمک و حمایت خارجی از مردمان قدرتمند، سیاسیون و مقامات حکومتی شده‌اند و به اساس اظهارات خودشان درین زمینه یکمقدار موفقیت نیز داشته‌اند. باردیگر، اکثراً چنین ادعا میشود که سیاسیون و قدرتمندان مردم را تشویق میکنند که زمین‌ها را اشغال نمایند البته بخاطر تشریک منافع اقتصادی.^{۱۰۰} بطور معمول، اتهامات هر جانب در مورد دریافت کمک از گروه‌های شورشی افزایش می‌یابد.^{۱۰۱} چنین بنظر میرسد که این اتهامات تا اندازه ای وزن دارد: حد اقل یکتن از بزرگان زمیندار پذیرفته است که از حزب اسلامی و همچنان از دو تن از قدرتمندان کوچی حمایت بدست آورده است.^{۱۰۲}

مانند قضیه منازعه کوچی در مقابل کوچی که در بخش انسداد دسترسی به علفچر تخصیص یافته، از منازعه میان کوچی‌ها و کوچی‌های سابقه معلوم میشود که کمبود منابع بطور فزاینده یک عامل منازعه میباشد و عوامل سابقه منازعه را تحت الشعاع قرار میدهد.

۹۵ مصاحبه با کلان قبیله سلطان خیل در ولایت لوگر، نومبر ۲۰۱۶.

۹۶ مصاحبه با کلان قریه، محله ادرمزی در قریه اوبازک، دسامبر ۲۰۱۶.

۹۷ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، قبیله بیر، نومبر ۲۰۱۶.

۹۸ مصاحبه با کلان محله نعیم خیل، ساحه خلیل آباد ولایت لوگر، نومبر ۲۰۱۶.

۹۹ مصاحبه با کلان قریه در ساحه الیاس خان در ولایت لوگر، دسامبر ۲۰۱۶.

۱۰۰ مصاحبه با کلان قبیله سلطان خیل در ولایت لوگر، نومبر ۲۰۱۶؛ مصاحبه با کلان قریه اوبازک، دسامبر ۲۰۱۶؛ مصاحبه با کلان محله نعیم خیل در ساحه خلیل آباد ولایت لوگر، نومبر ۲۰۱۶.

۱۰۱ مصاحبه با کلان قریه در ساحه الیاس خان در ولایت لوگر، دسامبر ۲۰۱۶.

۱۰۲ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، قبیله بیر، نومبر ۲۰۱۶.

۷. عوامل اساسی منازعه

قسمتاً، منازعه میان کوچی ها و جایی ها که در بالا روی آن بحث صورت گرفت، نتیجهٔ تنفیذ ضعیف یا در کل عدم تنفیذ حقوق جایداد و استفاده از آن از جانب مقامات، یا نتیجهٔ آنچه ویل تشریح کرده وضعیت مبهم علفچر ها میباشد. ۱۰۳ بنام، به علفچر بعضی اوقات از جانب کوچی ها و بعضی اوقات از جانب ده نشینان منحیث ملکیت خود شان (مخالف دیدگاه دولت) نگرسته میشود و آنان بطور غیر قانونی در یکتعداد موقعیت ها اسکان گزین میشوند که باعث ایجاد منازعه میگردد. این عام است که در یک منازعه دو جانب وجود داشته باشد و هر دو ادعا میکنند که بشکل قانونی صاحب زمین هستند. اینجا مشکل فروشات غیر قانونی زمین توسط کارمندان حکومتی نیز وجود دارد، ولی در خور ملاحظه است که بعضی ازین منازعات برای چندین سال بدون اینکه مالک درست آن شناسایی شود، ادامه میابد. ۱۰۴ این هم روشن است که منازعه جاری، کوچی ها را از دسترسی به مناطق مشخصی که بیشتر از خشونت، مابین ها و غیره متأثر گردیده اند دلسرد میکند و آنان مجبور میشوند توجه شان را بر یکتعداد علفچر های مصون مبذول دارند. ۱۰۵

فشار نفوس در حال رشد، یک منبع آشکار منازعه کوچی - جایی میباشد و اکثراً کسانی که با ایشان مصاحبه صورت گرفته به آن اشاره نموده و توسط مقامات رسمی نیز تأیید گردیده است: ۱۰۶

سال به سال نفوس و افراد جمعیت ما افزایش میابد. مناطقی که در آن جا کوچی ها حیوانات خود را برای چرا میبردند، فعلاً مردم جمعیت ما در آنجا خانه میسازند یا غله جات کشت میکنند. ۱۰۷

دلایل مختلف وجود دارد که منازعه چرا قبلاً شروع نشد و در وقت خاص آغاز گردید. دلیل اولی اینست که نفوس افزایش یافته است و آن دشت هائیکه کوچی ها عادت داشتند حیوانات شان را برای چرا آنجا ببرند، حالا مردم در آنجا ساختمان میسازند و غله جات کشت میکنند. ۱۰۸

زمین های آبیاری شده امروز به ۲،۳ میلیون هکتار تخمین گردیده است، که از ۳،۴ میلیون هکتار قبل از جنگ پائین آمده است (و در عین حال نفوس دو برابر گردیده است). ۱۰۹ تعداد در حال کاهش حیوانات در افغانستان (کوچی ها و ده نشینان در افغانستان را در بالا ببینید) باید در واقع منحیث فشار پائین تر بر چراگاه ها تعبیر گردد و در صورتیکه منازعه خاتمه پیدا کند سطح مهاجرت های کوچی ها ممکن موفقانه مدیریت گردد.

بطور آشکار عامل عمیق دیگر که ظهور منازعات روی علفچر ها را تشکیل میدهد عبارت از توسعهٔ اسکان شهری و نیمه شهری میباشد. این میلان در بعضی موارد، ارزش علفچر ها را که قبلاً توسط کوچی ها مورد استفاده قرار میگرفت افزایش داده و سبب شده ده نشینان محلی، عودت کننده گان از پاکستان و متنفذین تلاش نمایند که بر علفچر ها به منظور اعمار منازل و یا بخاطر فروش کنترل داشته باشند. ۱۱۰ این که مقامات دولتی نقش کم یا هیچ نقشی را در تلاش بخاطر جهت دادن توسعهٔ شهری بسمت ساحات خشک و نه بسوی علفچر و زمین های زراعتی بازی نمیکنند، هیچ کمکی نمیتواند بکند. ۱۱۱

در طی ۱۵ سال تغییرات زیادی صورت گرفته است. بطور مثال، در گذشته نفوس ما کم بود و در ولایات دیگر جنگ وجود نداشت. بنابراین مناطق آزاد برای کوچی ها وجود داشت تا حیوانات خویش را برای چراندن بیاورند، ولی فعلاً نفوس بسیار زیاد افزایش یافته و عدهٔ زیاد مردم از اثر جنگ از سایر ولایات به کابل آمده اند. فعلاً آن علفچر ها نیز به شهرک ها و خانه ها مبدل گردیده و فعلاً کوچی ها نیز میخواهند مناطقی را برای زنده گی شان پیدا کنند و آنان ارزش زمین را میدانند. و همین دلیل است که چرا روابط کوچی ها، دهاقین و جایی ها در هر جا بدتر شده است. قبلاً توجه کوچی ها بطرف حیوانات شان بود، ولی حالا کوچی ها جهان را میبینند و میخواهند از زنده گی کوچیگری به زنده گی شهری رو آورند. آنان میخواهند صاحب خانه، زمین و سایر کاروبار باشند. آنان از زنده گی سابقه شان خسته شده اند و آن زنده گی برایشان مشکل بود. ۱۱۲

۱۰۳ لیز الدن ویلی، «جنگ بر سر علفچرها».

۱۰۴ مصاحبه با کلان محله عبدالرحیم زایی در قریهٔ آبیازک، ۲۰ دسامبر ۲۰۱۶.

۱۰۵ مصاحبه با داکتر عصمت الله خوستی، مشاور رئیس عمومی ریاست عمومی مستقل کوچی ها (پشتون)، اکتوبر ۲۰۱۷.

۱۰۶ مصاحبه با داکتر عصمت الله خوستی، مشاور رئیس عمومی ریاست عمومی مستقل کوچی ها (پشتون)، اکتوبر ۲۰۱۷.

۱۰۷ مصاحبه با کلان قریه، قبیلهٔ نورزی، قریهٔ ننگاب ولایت فراه، جون ۲۰۱۷.

۱۰۸ مصاحبه با کلان کوچی بلوچی، ولایت فراه، جون ۲۰۱۷.

۱۰۹ مصاحبه با انجنیر میرخیل، کارشناس آب، وزارت احیا و انکشاف دهات، کابل، ۹ اکتوبر ۲۰۱۷.

۱۱۰ مصاحبه با کلان کوچی بلوچی، ولایت فراه جون ۲۰۱۷؛ مصاحبه با داکتر عصمت الله خوستی، مشاور رئیس عمومی ریاست عمومی مستقل کوچ ها، اکتوبر ۲۰۱۷.

۱۱۱ مصاحبه با حاجی خان وزیر، رئیس شورای خماری خیل برای ده سبز و قره باغ، پوزهٔ خروتی باریکاب، اکتوبر ۲۰۱۷.

۱۱۲ مصاحبه با کلان قریه، ده سبز ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷.

نقل قولی که در بالا ذکر گردید اشاره مینماید که چطور مناطق نزدیک به شهرهای بزرگ ناگزیر به شکل وسیعی متأثر گردیده است، مانند ده سبز. عین چیز در خاک جبار (ولایت کابل) صورت گرفته است:

در طی ۱۵ سال تغییرات زیادی در قریه ما رخ داده است. باز سازی صورت گرفته، تعداد مردم ما زیاد شده و سرکی که شهر کابل را به قریه ما وصل میکند دوباره ساخته شده است. بلی، این تغییرات روابط ما را با کوچی ها تغییر داده است. قبلاً، ما از دشت چاروازی استفاده نمیکردیم، ولی فعلاً ما ضرورت داریم از آن استفاده کنیم و این دلیل منازعه کوچی ها با مردم ما است. قبلاً، ما درین مناطق که تحت نزاع قرار دارد چیزی کشت نمیکردیم، ولی فعلاً در آنجا للمی کشت میکنیم.^{۱۱۳}

در ازره نیز، امکان منازعه بشکل چشمگیری افزایش یافته زیرا قیمت های زمین بلند رفته است.^{۱۱۴}

در خلیل آباد منازعه آغاز گردید زیرا هنگامیکه قبیله ستانکزی علفچر های ما را در خلیل آباد تصرف کردند، این منازعه قبل ازین شروع نشده بود، زیرا ارزش زمین بلند نبود. ولی فعلاً که قیمت زمین بلند رفت این مردم قدرتمند همه مناطق را تصرف کردند و آنان علفچر ما را نیز میخواهند. دلیل دیگر رشد نفوس است، زیرا تعداد زیاد مردم دوباره از پاکستان آمدند، به شمول یکتن که عضو پارلمان است و (یک کسی دیگری) به هر فامیل سه بسوه زمین میدهد و پول از ایشان میگردد.^{۱۱۵}

این زمین بسیار قیمت است و مردم خوست میخواهند ما را تهدید کنند و این زمین را از ما بگیرند. قیمت یک هکتار زمین ۱۰۰۰۰۰۰ دالر آمریکایی است.^{۱۱۶}

افزایش قیمت زمین و تقاضا برای خانه سازی نتیجه رشد اقتصاد افغانستان در خلال سالهای ۲۰۰۲-۱۴ میاشد. آنان به نوبت خویش فرصت های کاروبار را ایجاد کرده اند، که یک کتگوری خاص متشبین (غاصبین زمین) به سرعت از آن استفاده کرده اند.^{۱۱۷} ولی تقاضا یک امر واقعی است، و بطور مصنوعی توسط غاصبین زمین ایجاد نگردیده و باید به شکلی به آن برخورد شود. در میان سایر موارد، ناکامی در پیدا کردن ساحه برای رشد شهرها امکان دارد که هر نوع رشد اقتصادی را در آینده خفه کند.

این نوعی از منازعه روی منابع در حال کاهش است که میان نفوس در حال افزایش تقسیم میگردد و دوری جستن آنها مشکل میسازد حتی اگر به مردم این توانایی داده شود که میان خود تصمیم بگیرند که از علفچر ها چگونه استفاده کنند. نوع منازعه کلاسیک میان کوچی ها و جایی ها روی سرحدات نا مشخص منحیت یک موضوع باقی میماند ولی نه یک موضوع فشار آورنده. غاصبین زمین منابع زیادی دارند، افراد و اسلحه زیاد، و متمایل اند منازعه را از یک منطقه به منطقه دیگر بکشانند.

با دسترسی کم به علفچر های در حال محدود شدن، کوچی ها یا در شهرها جابجا میشوند و یا هم هر قطعه زمینی را که پیدا کنند غصب میکنند. از آنجائیکه زنده گی کوچی گری مشکل شده است، بعضی از ایشان هیچ گزینه ممکنه برای جایی شدن در کدام جای ندارند، به استثنای مزدوری ارزان در شهرها. آنانیکه میتوانند تمایل دارند از چنین سرنوشتی دوری کنند و تلاش میکنند یک مقدار زمین را ناگزیر اشغال زمین توسط ایشان در بعضی مناطق باعث مقاومت میگردد:

در بعضی مناطق مشکلات وجود دارد، ولی در بعضی مناطق هیچ مشکلی نیست. بعضی مردم فکر میکنند که «کوچی ها از افغانستان هستند، آنان را رها کنید»، ولی سایر مردم فکر میکنند که آنان حق ندارند اینجا زنده گی کنند، «آنان باید در کوه ها زندگی کنند».^{۱۱۸}

تعداد بسیار اندک کوچی ها توان خرید زمین را دارند، بنابراین یک گزینه ای که آنان دارند اینست که علفچر ها را در هر جائیکه میتوانند غصب نمایند. هردو یعنی کوچی ها و ده نشینانی که با ایشان مصاحبه صورت گرفته تأیید نموده اند که این واقع میشود، بطور مثال:

قبلاً، کوچی ها یک زنده گی کوچی گری داشتند و از جایی بجای دیگر میرفتند. آنان این زنده گی را متوقف ساختند؛ آنان همه زمین افغانستان را تصرف مینمایند، اگر در شمال، جنوب، شرق و یا غرب باشد. حالا آنان میخواهند جایی شوند؛ بنابراین، آنان به زمین ضرورت دارند و زمین را تصرف میکنند.^{۱۱۹}

۱۱۳ مصاحبه با کلان قریه، قریه ملنگ، فبروری ۲۰۱۷.

۱۱۴ مصاحبه با کلان قریه، قبیله پیری، منطقه شمل دیری ولایت خوست، اپریل ۲۰۱۷.

۱۱۵ مصاحبه با کلان قبیله نعیم خیل، ساحه خلیل آباد ولایت لوگر، نومبر ۲۰۱۶.

۱۱۶ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، قبیله نیازی، دیری ولایت خوست، اپریل ۲۰۱۷.

۱۱۷ مصاحبه با کلان قریه، کول اکاخیل ساحه امام صاحب، ولایت کندوز، اپریل ۲۰۱۷.

۱۱۸ مصاحبه با کلان کوچی از (پشتون) قبیله تره خیل برای ولسوالی ده سبز ولایت کابل، ۱۳ جنوری ۲۰۱۷.

۱۱۹ مصاحبه با کلان قریه، قریه ملنگ، فبروری ۲۰۱۷.

قبلاً، ما به ولایات شمالی میرفتیم، ولی آنان حالا ما را از رفتن به آن مناطق و علفچر ها جائیکه ما خانه آباد نموده ایم، منع میکنند. این مردم به ما اجازه نمیدهند، بعداً آنان بلدوزر ها را آوردند و خانه های ما را تخریب کردند. در یک خانه دو طفل نیز کشته شدند. میان این تاجک ها و ترخیل های ما جنگهای زیادی صورت گرفت.^{۱۲۰}

در نتیجه رقابت برای بهره گیری از زمین علفچر، مردمانیکه هیچگاهی در گذشته در مورد دسترسی کوچی ها به علفچر اعتراض نداشتند نیز در مقابل ما ایستادند:

قبلاً، کوچی ها برای یک مدت کوتاه میآمدند و بعداً بر میگشتند، آنان نمیخواستند زمین های ما را تصرف نمایند بنابراین منازعه صورت نمیگرفت. ولی حالا کوچی ها اینجا میآیند و زمین های ما را تصرف میکنند و بر آن خانه ها میسازند.^{۱۲۱}

کاهش آبیاری و خشکسالی های مکرر با فرسایش علفچر که در نتیجه توسعه شهری و سوء استفاده از علفچر توسط دهاقین رخ داده است، یکجا گردیده. کوچی ها شروع به بردن حیوانات شان به علفچر ها و زمین های زراعتی کرده اند. بالاخره، آنده گروپ های کوچی ها که به علت انسداد مسیرها قادر به دسترسی به علفچر های ارتفاعات مرکزی و کدام جای دیگر نیستند به صوب چراگاه های دیگر رو آورده اند و سبب افزایش فشار نفوس حتی بر مناطقی شده اند که قبلاً از منازعه متأثر نگردیده بودند.^{۱۲۲}

تغییر تعادل قدرت میان مردم یک عامل دیگر افزایش میزان منازعه است. یک پشتون اندر در امام صاحب قندوز گفت:

قبلاً، پدر کلان های ما و پدران ما با ازبیک ها خوب زندگی میکردند و کدام مشکلی وجود نداشت. وقتی انقلاب شروع شد، یکعهده مردم سلاح پیدا کردند و قدرتمند شدند. بعداً این موجب منازعات گردید. قبلاً، ازبیک ها زمین های ما را نمیگرفتند؛ هنگامیکه قدرتمند شدند شروع به تجاوز بر زمین های ما کردند.^{۱۲۳}

حکومت های قبل از جنگ حکومت های قوی بودند، در آن زمان هزاره ها میتوانند که تنها عسکر باشند، نه آفسر. تحت حاکمیت حکومت سابقه کوچی ها میتوانند تا هر جا بروند، کدام مشکلی برای ما وجود نداشت. فعلاً حکومت خوب نیست. آنان کوچی ها را باز میدارند ولی به هزاره ها اجازه میدهند که همه قدرت خود را بکار اندازند.^{۱۲۴}

آیا کدام اصل برای این ادعای مکرر جهانی که قدرتمندان و "مافیا" در نهایت امر نیروی محرکه در عقب بسیاری از منازعات کوچی - ده نشین میباشند، وجود دارد؟ یقیناً، بدون یک نوع حمایت از سوی چنین فعالین، برای مردم کوچی و جایی دشوار میبود که در چنین یک منازعه متداوم دخیل گردند. "قبلاً که این قوماندانان و مافیا وجود نداشتند، چنین منازعاتی نبود و هیچکس زمین ما را تصرف نمیکرد."^{۱۲۵}

۱۲۰ مصاحبه با کلان کوچی از (پشتون) قبیله تره خیل در ولسوالی ده سبز ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷.

۱۲۱ مصاحبه با کلان قریه پای منار، ولسوالی ده سبز ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷.

۱۲۲ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، قبیله ناصر، ولایت فراه، جون ۲۰۱۷؛ مصاحبه با کلان قریه، قریه ننگاب ولایت فراه، جون ۲۰۱۷.

۱۲۳ مصاحبه با کلان قبیله اندر، ولسوالی امام صاحب ولایت قندوز، اپریل ۲۰۱۷.

۱۲۴ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، قبیله ملاخیل، ولایت غزنی، اپریل ۲۰۱۷.

۱۲۵ مصاحبه با کلان قبیله اندر، ولسوالی امام صاحب ولایت قندوز، اپریل ۲۰۱۷.

۸. نتیجه گیری

با وجود محدودیت ها، این نظر سنتی نشان داده است که دو نوع درگیری میان کوچی ها و ده نشینان در افغانستان امروز وجود دارد: ممانعت ده نشینان برای دسترسی کوچی ها به علفچرها و رقابت میان ده نشین و جمعیت کوچی روی سوء استفاده از زمین علفچر. زمانیکه اختلافات و منازعات را بطور جداگانه در نظر بگیریم، سایر اشکال منازعه، مانند اختلاف روی تخطی از سرحدات غیر مشخص شده به نظر میرسد که نسبتاً شکل حاشیوی را بخود گرفته است، ولی زمانیکه اینها یکجا در نظر گرفته شود میتواند یک دلیل عمده این امر باشد که چرا بعضی اوقات ده نشینان مانع دسترسی کوچی ها میگردند. بطور فزاینده، تخطی از سرحدات به یک جرقه تبدیل میگردد که ممکن عوامل اساسی دیگر تنش را به منازعات باز، دوامدار و خشن تبدیل نماید. بنابراین، ممکن معقول باشد که عوامل اساسی تنش تحلیل گردد و به نظر میرسد که از میان این تنش ها، منازعه روی زمین یکی از مهمترین تنش ها باشد.

بسیاری از پیشنهادات در مورد پالیسی که ازین پروژه بدست میآید در مقاله های آینده و مراحل بعدی تحقیق برجسته و روشن خواهد گردید. به هرصورت، این موضوع از پیش روشن است که عدم تحرک حکومت در قبال مقابله با مسئله روش اصلاحات زمین دولتی پایدار نیست. منازعه فزاینده روی تبدیل علفچر ها به زمین های شخصی علامه اینست که تهیه نمودن بعضی چارچوب ها برای تبدیلی بخشی از علفچر ها به توسعه ساحه شهری یا زمین های زراعتی برای مهلت غیر مشخص به تعویق افتاده نمیتواند. غیر فعال بودن حکومت و پارلمان درین بخش شرایط را برای غصب و سوء استفاده وسیع زمین های دولتی مساعد نموده است. با در نظر داشت فشار بسیار زیاد نفوس، شهر های عمده افغانستان باید توسعه یابد و تعداد خانواده ها بطور قابل ملاحظه ای در جریان سال های ۱۹۷۸-۲۰۰۱ افزایش یافته است. طوریکه حکومت در برآوردن تقاضا ناکام مانده، یک کتگوری جدید متشبهین که بطور غیر قانونی فعالیت مینماید به میان آمده است - غاصبین زمین.

هرچه منازعه بیشتر جانب کسیکه پروسه تغییر علفچر ها را به زمین شخصی کنترل مینماید کشانده شود به همان پیمانانه منازعه پر خشونت و غیر انعطاف پذیر میگردد. فعلاً منافع عمده اقتصادی و معیشت بسیاری از خانواده ها درخطر است، بنابراین، درگیری به آسانی به وقوع می پیوندد:

ممکن ما از این علفچر های مورد منازعه استفاده کنیم و به آنانیکه برای ما مشکل خلق میکنند اجازه ندهیم. ما در کوچی آباد منازل اعمار کردیم و میخواستیم درخاک جبار و چار واژگی نیز خانه بسازیم. اگر (نام حذف گردیده) و (نام حذف گردیده) به ما اجازه ندهند، ما به آنان اجازه نخواهیم داد به کابل داخل شوند و سرک را بر روی شان مسدود خواهیم کرد. اگر هر کسی در برابر ما ایستاده شود، ما در برابر شان جنگ خواهیم کرد و ما کدام راه دیگری نداریم.^{۱۲۶}

اینجا گفتگو کار نمیدهد. ما چند تن بزرگان را نزد وی فرستادیم، بعداً (نام حذف گردیده) آنانرا بندی کرد و به آنان گفت شما تاجکان اینجا آمده اید. (نام حذف گردیده) حکومت را قبول ندارد. حتی اگر رئیس ناحیه مقرر گردد، وی به اساس انتخاب (نام حذف گردیده) مقرر میگردد. (نام حذف گردیده است) به مردم گوش نمیدهد. ما میخواستیم مشکل را از طریق گفتگو حل نمائیم، ولی آنان به ما گوش نمیدهند. بنابراین ما باید به آنان قدرت نشان دهیم.^{۱۲۷}

در نتیجه، آنچه که اصلاً منازعه میان ده نشینان و کوچی ها میباشد به انواع دیگر منازعات مبدل و با آنها مدغم گردیده اند. برخی از مصاحبه هایی که توسط تیم تحقیق صورت گرفته تمایل به سوی نژادی سازی این منازعه را بطور واضح نشان میدهد:

قریه حاجی محمد افضل خان پشتون ها هستند و اینها کوچی ها (پشتون) را حمایت میکنند، قلعه زرین نیز پشتون ها هستند و آنان نیز با کوچی ها (پشتون) کمک میکنند تا زمین های ما را تصرف نمایند و بعد آنرا میان کوچی ها (پشتون) و خود شان تقسیم نمایند.^{۱۲۸}

این رقابت میان پشتون ها و ازبیک هاست، بنابراین همه قریه جات پشتون و ازبیک اینجا درین منازعه دخیل اند.^{۱۲۹}

۱۲۶ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، کوچی آباد بتی کوت، کابل، مارچ ۲۰۱۷.

۱۲۷ مصاحبه با کلان قریه، ساحه خواجه چشت ولسوالی ده سبز، کابل، جنوری ۲۰۱۷.

۱۲۸ مصاحبه با کلان قریه تاجیک، قریه پای منار ولسوالی ده سبز، ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷.

۱۲۹ مصاحبه با کلان قریه، ساحه کول اکاخیل، امام صاحب، اپریل ۲۰۱۷.

یک دهقان پشتون گفت که یک سیاستمدار که با مردم ارتباط داشت، چگونه افراد قدرتمند کوچی (پشتون) را که در عقب غصب زمین در ساحه قرار داشت قناعت داد که آنانرا تنها بگذارند البته به این دلیل که آنان هم پشتون ها هستند نه تاجک ها! ۱۳۰ یک تن از کوچی هائیکه (پشتون) با وی مصاحبه صورت گرفته اشاره نمود که به شورا ها و سیاسیون مختلف پشتون متوسل گردیده و همه وعده کمک نموده اند و اظهار داشت: این بازی میان پشتو و دری است. شما نباید خود را ضعیف نشان دهید. ۱۳۱

در محیط هائیکه از نقطه نظر نژادی یکنواخت است، در آنجا علایم قبیله‌ی سازی وجود دارد. بطور مثال در خوست، مردمان محلی در اصطلاح نسب شناسی، کرلانی ها هستند در حالیکه کوچی هائیکه (پشتون) زمستان را در آنجا میگذرانند غلزایی ها هستند. یک کوچی نیازی (پشتون) گفت: آنان میگویند که شما نباید اینجا بیایید زیرا شما غلزایی هستید. ۱۳۲

درین منازعه با کوچی ها (پشتون) سایر قریه جات نیز دخیل هستند مانند متون وال، پیری و تیرون. مانند نیازی ها قبایل دیگری نیز آنجا هستند، که درین منازعات دخیل هستند. مانند عیسی خیل، ناصر و دولتتری. آنان نیز با نیازی ها کمک میکنند. این یک منازعه بزرگ است که میان غلزایی و کرلانی میباشد. ۱۳۳

روشن است که منازعه کوچی - ده نشین به یک مسئله بزرگتر مبدل میگردد، بنابراین، یک معقولیت دیگر برای مداخله در آن وجود دارد. پالیسی سازان به سبب ماهیت مغلق این منازعات، محدودیت ظرفیت دولت و موجودیت اولویت های دیگر مانند ناامنی های جاری، تمایلی ندارند با این موضوع به صورت بالمواجهه مقابله نمایند. اما به هر اندازه ای که مداخله به تعویق انداخته شود، به همان پیمانانه منازعه عمیقتر و بیشتر مهار ناشدنی میگردد. گسترش و تشدید منازعه کوچی - ده نشین موضوع بدی است، این منازعه نه تنها باعث تلفات دهها تن میگردد، بلکه سبب صدمه اقتصادی نیز میشود:

آنان بلدوزر هارا خریدند و به خانه های ما آسیب رسانیدند، در یک خانه دو طفل نیز کشته شد. میان این تاجک ها و ما تره خیل ها بسیار زیاد جنگ ها صورت گرفت. ۱۳۴

به اثر همین منازعات ما حیوانات خویش را از دست دادیم و با خسارات مالی روبرو گردیدیم. بطور مثال، قبلاً من ۳۰۰ رأس حیوان داشتم ولی حالا ۲۰۰ حیوان دارم. این یک خساره بسیار هنگفت برای من است. ۱۳۵

از دیده گاه حکومت کابل، این امر بسیار زیاد قابل تشویش است که همه کسانی که با ایشان مصاحبه صورت گرفته است به طور جدی از عدم توانایی مقامات برای حل و فصل این نوع منازعات، انتقاد کرده اند.

حکومت هائیکه قبل از جنگ وجود داشت، حکومت های واقعی بودند، ولی حکومت های فعلی حکومت های واقعی نیستند. حکومت های فعلی نمیتوانند در حل و فصل این منازعات و مشکلات کدام نقشی بازی کنند. در حکومت های قبلی، اگر هر نوع منازعه یا مشکل پیش می آمد، آن حکومت ها میتوانستند آن منازعات و مشکلات را بسیار زود حل و فصل نمایند. ۱۳۶

حکومت ضعیف است و در حکومت غاصبین وجود دارند که مقامات حکومتی اند. اگر حکومت با ما کمک میکرد، ما به شورا های قبیله‌ی نمیرفتیم تا منازعه ما را حل و فصل نمایند. امکان دارد که ما به حکومت مراجعه کنیم. اگر هر کسی در ولایت کندز مشکل داشته باشد، نزد طالبان میروند که مشکل شان را حل و فصل نمایند. ۱۳۷

۱۳۰ مصاحبه با کلان قریه، محله باغی، ولسوالی خاک جبار ولایت کابل، مارچ ۲۰۱۷.

۱۳۱ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، قبیله تفر، ولسوالی ده سبز ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷.

۱۳۲ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، قبیله نیازی، دیری ولایت خوست، اپریل ۲۰۱۷.

۱۳۳ مصاحبه با کلان قریه، قبیله متون وال، دیری ولایت خوست، اپریل ۲۰۱۷.

۱۳۴ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، قبیله تره خیل، ولسوالی ده سبز ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷.

۱۳۵ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون) بلوچ، ولایت فراه، جون ۲۰۱۷.

۱۳۶ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون)، قبیله ناصر، ولایت فراه، جون ۲۰۱۷.

۱۳۷ مصاحبه با کلان کوچی (پشتون) ازبیک، قبیله بیگ ازبیک، ساحه گذر کالام، اپریل ۲۰۱۷.

حکومت قادر نیست تصامیم خود را تطبیق نماید و توانمندی حمایت از حقوق مردم ما را ندارد. محاکم سه بار به نفع ما فیصله کرده است بنابراین چرا حکومت آنرا تطبیق کرده نمیتواند. اینها مردم بسیار قدرتمندی هستند و حکومت نمیتواند علیه شان تصمیم بگیرد. حالا فقط طالبان مانده تا برای ما تصمیم بگیرند ولی طالبان نیز از ما پول میخواهند. ما در ابهام قرار داریم که به کدام طرف مراجعه کنیم. فقط داعش مانده است.^{۱۳۸}

فعالاً هنگامیکه کدام مشکل پیدا میشود، مردم به شورا های قومی یا طالبان مراجعه میکنند نه حکومت.^{۱۳۹}

بطور واضح، عدم توانمندی یا عدم دلچسپی مقامات کابل جهت حل و فصل منازعات کوچی - ده نشین به خدشه دار شدن مشروعیت حکومت کمک میکند. برای رسیده گی به این موضوع باید درین جا بطور واضح یک احساس عمیق فوریت وجود داشته باشد. اگر هموار کردن هر یک از منازعه میان کوچی ها و ده نشینان یک کار بسیار دشوار باشد، حد اقل حکومت باید درین رابطه که با علفچر ها چه کند و چگونه زمین ها را برای توسعه شهری مهیا نماید، و یکعده عوامل کلیدی غصب غیر قانونی زمین را تضعیف کند، اقدام نماید. بسیاری از کسانیکه همراهی شان مصاحبه صورت گرفته، بالخصوص کوچی ها، خواستار مداخله بزرگتر دولت درین منازعات گردیده اند. به هرصورت، در میان کارمندان رسمی دولت این احساس گسترده وجود دارد که در حال حاضر دولت افغانستان این ظرفیت را ندارد که به حل و فصل این منازعات کمک نماید. حکومت افغانستان و تمویل کنندگان باید راه های جدیدی را برای معامله با این منازعات که موضوع ظرفیت ضعیف دولت را جبران کند روی دست بگیرند. بطور مثال، آیا امکان دارد که به مردم کوچی مشوقات پیشکش گردد تا آنان راه های خویش را تغییر دهند، حد اقل مهاجرت های طولانی شان را ترک کنند؟ اینجا مسایل تخنیککی زیادی وجود دارد که درین شیوه ها دخیل اند و نیاز است به جزئیات در مورد آن ها بحث صورت گیرد. تا آنجای که به پروژه واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان ارتباط میگیرد، دریافت های این تحقیق آنچه را که در خلاصه مقاله ارائه شده بود تقویت میکند:

- موضوع اسکان کوچی ها (پشتون) (کاملاً یا قسماً) قابل توجه بیشتر است و این امر به ذات خود مبدل به عامل منازعه میگردد؛
- منازعه کوچی - ده نشین بطور فزاینده متمایل به سیاسی و نژادی شدن است، خطر تند شدن بالقوه منازعات بیشتر را دارد؛
- رقابت روی زمین های علفچر بخاطر یکعده دلایل غیر مرتبط تشدید میابد، به برخی ازین دلایل باید رسیده گی صورت گیرد؛
- جوانب درگیر در منازعات عدم موجودیت دولت را بسیار زیاد احساس میکنند، گرچه هیچ وفاقی در این مورد که دولت چه نقشی را بازی کرده میتواند یا باید بازی کند وجود ندارد؛
- نقش فزاینده ای را که افراد قدرتمند کوچی (پشتون) بازی کرده این امر را برجسته میسازد که جامعه کوچی (پشتون) چگونه تغییر کرده است.

۱۳۸ مصاحبه با کلان قبیله اندر، ولسوالی امام صاحب ولایت کندوز، اپریل ۲۰۱۷.

۱۳۹ مصاحبه با کلان قریه، کول اکاخیل امام صاحب، اپریل ۲۰۱۷.

مآخذ

- فردینند، کلاس " توسعه کوچی و تجارت در افغانستان مرکزی. فولک ۴، ۱۹۶۲.
- فوسچینی، فابریزوی. " سرگردانی اجتماعی ای کوچی های (پشتون). " برلین: ای ای ان، ۲۰۱۳.
- گراهم - هاریسن، ایما. " صدمات پنهان جنگ افغانستان: ده‌اقلین کوچی بیشتر به زندگی جایی عادت گرفته اند. " *afghanistan-war-nomadic-farmers. The Guardian/08/jan/2013/settled life.* <https://www.theguardian.com/world> جنوری ۲۰۱۳، ۹.
- کاکر، حسن. یک تاریخ سیاسی و دیپلماتیک افغانستان ۱۸۶۳ - ۱۹۰۱. لیدین: بریل، ۲۰۱۲.
- موسوی، اس. ای. هزاره های افغانستان. لندن: کرزون، ۱۹۹۸.
- نوابی، کنشکا. « ارتباطات از هم گسسته: دانستن منازعه میان محله های کوچی ها و ده نشینان در علفچر های وردک. » کابل کاپاو، ۲۰۱۰.
- شریف، ام. و ام وای صفر. « اداره و مدیریت زمین در افغانستان. » بلو موندس: انستیتیوت تیرا، جون ۲۰۰۸.
- یو اس اید. « کاهش خطر برای مردم افغانستان. » یو اس اید: پروژه صلح افغانستان، <http://afghanpeace.org>.
- دی ویجر، فروکی. « رمه داران کوچی (پشتون) افغانستان: تغییر و تطابق. » مردم کوچی، جلد ۱۱، طبع ۱ (۲۰۰۷): ۹ - ۳۷.
- دی ویجر، فروکی. « بررسی چند جانبه بر کوچی (پشتون). » کابل، ۲۰۰۵.
- ویلی، لیز الدین. « جنگ روی علفچر ها: جنگ پنهان در افغانستان. » ریویو دیس موندیس موسلمان ایت دی لا مدیترانی: ۱۳۳، جون ۲۰۱۱.
- ویلی، لیز الدین. « در جستجوی صلح در علفچر ها. » کابل: ای ار ایی یو، ۲۰۰۴.

پیشنهادات شما

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان می خواهد تا از پیشنهادات شما به عنوان استفاده کنندگان منابع تحقیقاتی این اداره مستفید شود. شما چه خواننده همیشگی انتشارات ما باشید، چه در یکی از سخنرانیها و ورکشاپهای این واحد شرکت کرده باشید، چه از کتابخانه استفاده کرده باشید و چه به تازگی با این سازمان آشنا شده باشید، نظرات و پیشنهادات شما برای ما با ارزش است. نظرهای شما به ما کمک میکند تا هدف خود را به بهترین شکل تعقیب نموده و یافته های کاری خود را به شکل بهتر با خواننده گان نشریات ما به اشتراک بگذاریم. آسانترین راه برای ارائه پیشنهادات استفاده از این ایمیل آدرس میباشد. areu@areu.org.af همچنان شما می توانید به این شماره تماس بگیریید ۵۴۸ ۶۰۸ ۷۹۹ (۰) ۹۳+ و هر نظری دارید، با ما در میان بگذارید. اما برخی اطلاعاتی که به ویژه برای ما سودمند هستند عبارتند از:

- چطور از نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده میکنید (مطالعه انتشارات، شرکت در جلسات،...)?
- به چه منظور از پژوهشهای واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده میکنید؟
- به چه شکل انتشارات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان را دریافت میکنید؟
- از نسخه الکترونیکی استفاده میکنید یا از نسخه چاپی؟
- چگونه این انتشارات میتوانند اطلاعات را به نحو بهتری ارائه دهند؟
- نظر شما درباره روند تحقیقی و نتایج ما چیست؟
- انتشارات یا رویداد های مورد علاقه شما در واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان کدام است؟
- به نظر شما، ما چه کارهایی را میتوانیم بهتر انجام دهیم؟
- علاقه، ساحه و موقعیت کاری یا مطالعه شما کدام است؟ عرصه علاقمندی، اشتغال، مطالعه و موقعیت تان

لیست نشریات اخیر واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

تمام نشریات در وب سایت www.areu.org.af قابل دستیابی اند و اکثر آنها بصورت نسخه چاپی رایگان در دفتر واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان موجود می باشد.

تاریخ	نام نشریه	نویسنده	موجود به زبان دری	موجود به زبان پشتو	موضوع تحقیق	نوع نشریه
می ۲۰۱۸	آب هرچه عمیق تر، آرام تر: کونار نا مشروع و تحول دشت های جنوب غرب افغانستان	دیوید منسفیلد			مدیریت منابع طبیعی	مقاله تحلیلی
می ۲۰۱۸	ارزیابی ای از موثریت EUPOL در اصلاحات پولیس افغانستان (۲۰۱۶-۲۰۰۷)	قیوم سروش			حمایت اجتماعی	مقاله تحلیلی
حوت ۱۳۹۶	مصنویت شهری: برنامه بازیابی بنای صلح شهری در افغانستان	یما ترابی	✓	✓	حمایت اجتماعی	پالیسی نامه
جنوری ۲۰۱۸	مطالعه بازنامه‌ی: میکانیزم های نهادی برای مهار کردن قاچاق انسان در افغانستان	ولی محمد کندیوال			حمایت اجتماعی	پالیسی نامه
مارچ ۲۰۱۸	مطالعه بازنامه‌ی: میکانیزمهای نهادی برای مهار کردن قاچاق انسان در افغانستان	سوبروا نراسیمهیا			حمایت اجتماعی	نشریه تحلیلی
جنوری ۲۰۱۸	نوع شناسی منازعه کوچی- ده نشین در افغانستان	داکتر انتونیو گستوزی	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	نشریه تحلیلی
عقرب ۱۳۹۶	خلاصه ای در مورد منازعه کوچی و باشندگان محل در افغانستان	داکتر انتونیو گستوزی	✓	✓	حمایت اجتماعی و معیشت	چکیده
اسد ۱۳۹۶	باز نگری قضایی در افغانستان	غزال حارس	✓	✓	قانون اساسی	پالیسی نامه
اسد ۱۳۹۶	تکامل قوه اجرائیه در افغانستان: نگاهی به گذشته و پیشنهادهایی در مورد راه پیشرو	کاوون کاکر، توماس کریمر، همایون رنوفی	✓	✓	قانون اساسی	پالیسی نامه
جوزا ۱۳۹۶	حکومتداری شهری: ارزیابی برنامه انکشاف شهری در افغانستان	دتلیف کامیر، ذبیح الله عیسی	✓	✓	حکومتداری و اقتصاد سیاسی	پالیسی نامه
جوزا ۱۳۹۶	حکومتداری معادن: سیستم مؤثر جمع آوری عواید صنایع استخراجی در افغانستان	جاوید نورانی	✓	✓	حکومتداری و اقتصاد سیاسی	پالیسی نامه

جوزا ۱۳۹۶	حکومتداری مهاجرت: تکامل مفاهیم و چارچوب نهادی در افغانستان	ولی محمد کنديوال، هلن سی سی	✓	✓	پالیسی نامه
حمل ۱۳۹۶	اصلاحات خدمات ملکی در افغانستان: نقش و وظایف سکتور خدمات ملکی	سید حشمت الله هاشمی، گیرهارد لوت	✓	✓	مقاله مسأله محور
جولای ۲۰۱۶	نزدیک ساختن دولت با مردم: غیرمتمرکز ساختن پلانگذاری و بودجه سازی	نعمت الله بیژن، فرحت امیل و هارون نایب خیل			برنامه ریزی، بودجه گذاری و حکومتداری در سطح ولایتی
جولای ۲۰۱۶	نقش جامعه مدنی در ترویج حکومتداری خوب در افغانستان	اورخالا اشرف نعمت و کرین ورنر			جامعه مدنی و حکومتداری
می ۲۰۱۶	اقدام متوازن کننده برای حکومتداری سکتور منابع	جاوید نورانی و لین دی بروکر			معادن و حکومتداری
می ۲۰۱۶	توسعه منابع آبی فرامرزی: چه دیدگاه هایی برای همکاری در میان افغانستان، ایران و پاکستان وجود دارند؟	وینسنت توماس با مجیب احمد عزیز و خالد بهزاد			مدیریت منابع طبیعی
می ۲۰۱۶	نگاه نزدیک به مردان و «انواع مردانگی»: مشارکت فعال مردان در برابری جنسیتی	لیا ویلفردا آر. ای. پیلانگو، چونا آر. اجاوز، پرویز طفیل، سید مهدی موسوی	✓	✓	پالیسی نامه جنسیت
اپریل ۲۰۱۶	دولت سست بنیان: چگونه تریاک تیشه به ریشه افغانستان زد	دیوید منسفیلد			مدیریت منابع طبیعی
اپریل ۲۰۱۶	یادداشت مختصر بر تحقیق ساحوی در ولایت قندهار، دسمبر ۲۰۱۵ الی جنوری ۲۰۱۶: کوکنار و معیشت روستایی	پل فیشترین	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی
مارچ ۲۰۱۶	اردوی ملی افغانستان پس از ایساف	آنتونیو جیوستوزی و علی محمد علی			حکومتداری
فبروری ۲۰۱۶	اصل در جزئیات: سقوط روزافزون نگرهار به دامن شورشگری، خشونت و تولید وسیع مواد مخدر	دیوید منسفیلد	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی
جنوری ۲۰۱۶	سوی دیگر نابرابری جنسیتی: مردان و خصوصیات مردانگی در افغانستان	چونا آر. اجاوز، سید مهدی موسوی و لیا ویلفردا آر. ای. پیلانگو	✓	✓	پالیسی نامه جنسیت

ISBN 978-9936-641-05-1



9 789936 641051

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

ناحیه ۱۰، سرک ۱، فیز A، شهر نو
کابل، افغانستان

شماره تماس: ۵۴۸ ۶۰۸ ۷۹۹ (۰) ۹۳+

ایمیل: publications@areu.org.af

وبسایت: www.areu.org.af

تمام نشریات واحد تحقیق و ارزیابی
افغانستان را میتوانید از صفحه انترنتی
www.areu.org.af این اداره
دریافت نمایید.

همچنان نسخه های چاپی بعضی از
نشریات این اداره را میتوانید از دفتر
واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان
بدست آورید.

